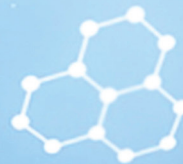


تتریک و کتابگز

نشریه فرهنگیان یزد / شماره ۶ بهار ۹۶



دانشگاه یزد



معلم نازنین فاطمه

محبت معلم ، استعداد هر
کودکی را شکوفا می کند.

آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم

علم داریم یا محفوظات؟
مسئله این است.

عمار دارد این خاک

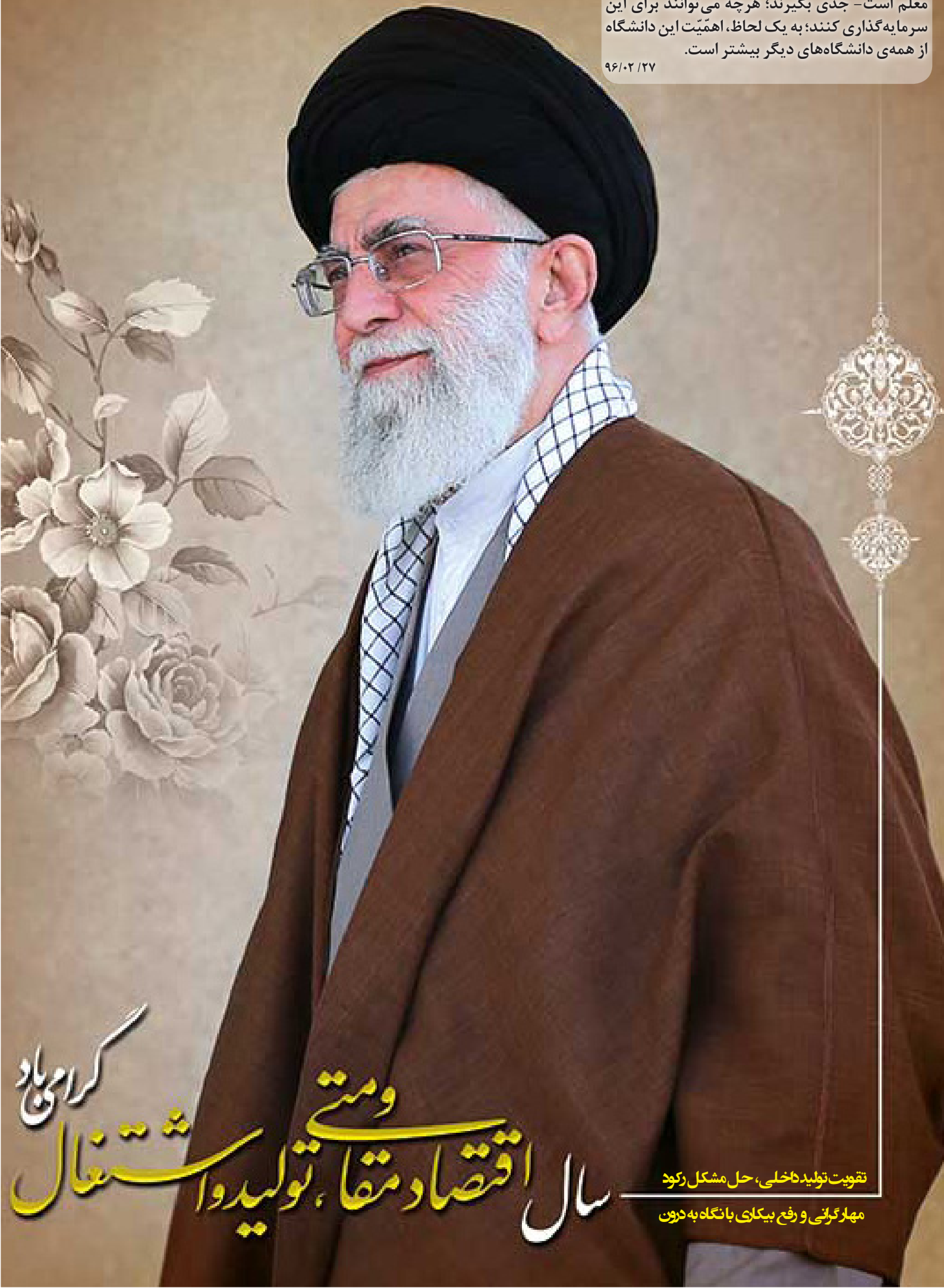
در سیاست غفلت ها مثل
خیانت ها ضربه می زند.

$$2 \times 2 = 4$$

$$3 \times 5 = 15$$

$$4 \times 6 = 24$$

مسئولین دانشگاه فرهنگیان را - که تولیدکننده‌ی
معلم است - جدی بگیرند؛ هر چه می‌توانند برای این
سرمایه‌گذاری کنند؛ به یک لحاظ، اهمیت این دانشگاه
از همه‌ی دانشگاه‌های دیگر بیشتر است.
۹۶/۰۲/۲۷



کرامت
و منته
سال اقتصاد مقاوم‌تر، تولید و اشتغال

تقویت تولید داخلی، حل مشکل رکود
مهارگرانی و رفع بیکاری بانگه به درون



فہرست مطالب

- سخن سردبیر ۴
- فرهنگ کلاس داری ۵
- بازی در کلاس ۶
- آب در کوزه و ما تشنه لبان می گردیم! ۷
- تعامل انسانی دوسویہ در آموزشگاہ ۸
- دین باید جذاب باشد! ۹
- آبر پارادایم علوم انسانی اسلامی ۱۰
- تأثیر موتورهای جست و جو بر حافظہ ۱۲
- معلم نازنین فاطمہ ۱۴
- سیاست مداران کوچک، آیندہ سازان بزرگ ۱۶
- عمار دارد این خاک ۱۷
- ای کاش ها ۱۸
- تہ تغاری خدا ۲۰
- چقدر خوبیم ما ۲۱
- بیا تا خدا را عبادت کنیم ۲۲
- شہادت ہنر مردان خداست ۲۲
- اجتماع ہراسی ۲۳
- جدول ۲۴

- مدیر مسئول: میلاد شجاعی نیری
- سردبیران اصلی:
- حجت دہقانی فیروز آبادی، پریسا کارگریان
- مشاوران:
- محمد حسن لالہ زاری، مصطفی نجفی، محمد علی غنی
- دبیر ہیئت تحریرہ: میلاد پور شریعتی

دبیران بخش ها:

- علمی پژوهشی: مہدیہ زارع
- فناوری: محمد رضا دہقانی فیروز آبادی
- سیاسی: زہرا جعفری
- طنز: مریم رئیسی
- فرهنگی: شہرہ عامری
- ویژہ نامہ: محمد صادق محسنی
- روانشناسی: نرگس ضرابی
- سلامت: مہدی بیکی دہ آبادی
- الکترونیک: مسعود منصوری اردکان
- علی پارسایان، مہدی صالحی زادہ
- ویراستاری: فاطمہ زارع زردینی، مریم محسن زادہ
- مسئول امور رسانہ: فاطمہ علی بیگی
- روابط عمومی: زہرا فاضل، مہدیہ ناصح زادہ
- تیم طراحی: علیرضا دہقان، مصطفی عادل،
- علی خیاطیون، محمد حسین اکرمی، ابوالفضل آقایی
- مصاحبہ: زہرا عبدلی، سعید جعفری
- مدیر ہمہنگی: سید علیرضا حسینی نسب

باتشکر از:

نہاد رہبری در دانشگاه فرهنگیان یزد
حجت السلام والمسلمین علیرضا خراسانی

دانشگاہ فرهنگیان یزد

جناب آقای دکتر فضل اللہ رضایی اردانی
سرکار خانم دکتر صدیقہ ناظمیان

پل های ارتباطی:

yazd_farhangian@yahoo.com
@farhangian.yazd
www.farhangianeyazd.ir
@farhangianeyazd

رایانامہ:

اینستاگرام:

سایت:

کانال اطلاع رسانی تلگرام:

نشریہ تربیون آراء و نظرات نویسندگان است و
انتشار نقطہ نظرات نویسندگان، لزوماً بمعنای
تایید آن توسط نشریہ نیست.



سخن سر دیر

باسمه تعالی

يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ وَ الْأَبْصَارِ يَا مُدَبِّرَ اللَّيْلِ وَ النَّهَارِ يَا
مَحَوِّلَ الْحَوْلِ وَ الْأَحْوَالِ حَوِّلْ حَالَنَا إِلَى أَحْسَنِ الْحَالِ

بهار دل‌انگیز و رویش دوباره گل و گیاه و خیزش درخت و نبات آیتی است از رستاخیز و قیامت؛ آری می‌توان در فصل بیداری و شادی بهار، توحید و معاد را در آیین زلال آن به تماشا نشست. فرارسیدن سال نو و بهار طبیعت را به تمامی اهالی علم و ادب، از جمله مسئولین محترم دانشگاه فرهنگیان یزد و دانشجومعلمین عزیز شادباش و تهنیت عرض می‌کنیم و کامیابی و بهار آرزوهای شما دوستان و همراهان عزیز را از خداوند منان خواستاریم.

شایسته است ما جوانان با سخت‌کوشی و نیک‌اندیشی در این بهار شورانگیز و سال نو خود را برای رویشی نوین و پرثمر آماده‌سازیم و با اعتماد به سرمایه‌های جوانی و فرصت‌های ارزنده خویش بر چالش‌ها و دشواری‌ها فایق آییم و به سوی قله‌های بلند فرهنگ، معرفت، دانش و تعالی قدم برداریم.

بهار سبز طبیعت را بهانه دانستیم تا ششمین شماره نشریه فرهنگیان یزد را به شما عزیزان پیشکش نماییم و امید است توانسته باشیم رضایت شما را به دست آوریم.

این شماره از نشریه، آخرین شماره‌ایست که توسط دانشجومعلمین ورودی سال ۱۳۹۲ انجام گرفته و با یاری خدا از این پس شماره‌های بعد توسط تیمی تقریباً جدید اما توانا انتشار خواهد یافت. موفقیت این عزیزان را در جهت پیشبرد اهداف نشریه فرهنگیان یزد آرزو مندیم.

جای دارد از مساعدت‌های بی‌دریغ تمامی مسئولین عزیز دانشگاه فرهنگیان علی‌الخصوص حاج آقا خراسانی، دکتر رضایی و سرکار خانم شایق بزرگوار که ما را در این راه پرفراز و نشیب و شیرین همیاری کردند کمال تشکر و قدردانی را داشته باشیم و برایشان سلامتی، توفیق و بهترین تقدیرها را آرزو مندیم.

همچنین سپاس از یکایک دوستان عزیز در گروه نشریه، که دلسوزی‌ها و همراهی‌شان سبب شد بذریع این همکاری به بار بنشیند و نشریه فرهنگیان یزد را در مسیر پیشرفت و تعالی همراهی نمودند. به راستی موفقیت و سربلندی نشریه فرهنگیان یزد حاصل همکاری‌ها و دلگرمی‌های شما عزیزان بوده و خواهد بود.

آموخته‌ایم که همواره آخرین کارمان بهترین باشد، پس همیشه راه برای بهتر شدن باز است.

سپاس از حسن توجه شما
در پناه حق





فرهنگ کلاس داری

خیلی بهتر و زودتر به اهداف خود خواهد رسید. یک معلم آگاه و دلسوز برای این که بتواند یک نوع رابطه درست را در کلاس درس برای تحرک و فعالیت شاگردان فراهم نماید، باید نسبت به عوامل محیطی آگاهی داشته و با دید باز به مسائل آموزشی بنگرد، شرایطی را فراهم نماید که شاگرد، کلاس درس را از آن خود بداند و احساس آرامش نماید؛ این امر تحقق نمی یابد مگر با سعی و تلاش یک معلم آگاه به فن و اصول کلاس داری. این چنین نیست که هر کسی از لحاظ علمی بالاتر باشد، می تواند یک معلم یا مربی موفق باشد؛ بلکه معلمی موفق خواهد شد که هم سطح علمی لازم را دارا باشد و هم به اصول و فنون کلاس داری آگاه باشد و آن ها را به کار ببرد.

اصول و روش کلاس داری و تدریس از دیرباز مورد توجه بسیاری از دبیران، معلمان و مربیان بوده و آن ها بدون غفلت از این موضوع، همیشه به دنبال این بوده اند که بتوانند با یک شیوه جدید و نوین یک کلاس مقبول و دارای محبوبیت برای دانش آموزان را ارائه نمایند. اگر مربیان و معلمان نظام آموزشی جدید بتوانند یک روش خوب برای برقراری ارتباط بین شاگرد و معلم برقرار نمایند و از حالت خشک سخنرانی در کلاس درس دوری نمایند و سعی بر آن داشته باشند که کلاس خشک به یک مکان جذاب و فعال برای دانش آموزان تبدیل شود؛ آن وقت است که مکان آموزشی از حالت خشک تئوری خارج شده و به مکان عملی و علمی تبدیل می گردد. اگر مربی بتواند کلاسی جذاب و بانشاط، زنده و متنوع حتی با وجود جمعیت زیاد برگزار نماید، به طوری که دانش آموزان احساس خستگی نکنند، در امر تدریس و کلاس داری موفق خواهد بود و

چند نکته در ارتباط با کلاس داری موفق:

از تجربیات درسی و تدریس دیگران بی بهره نمانیم. به وعده هایی که در کلاس می دهیم وفا کنیم، بخصوص اگر وعده هدیه و جایزه باشد. از شیوه های نمایشی در تدریس و تغییر لحن در مطالب استفاده کنیم. با نحوه برقراری ارتباط با نسل جدید در کلاس آشنا باشیم. سعی نکنیم اشتباهات خود را توجیه کنیم. از حس کنجکاوی دانش آموزان استفاده کنیم. طبیعت انسان طوری است که دوست ندارد از هیچ مطلبی غافل بماند. اگر با صدایی آرام شروع به صحبت کنید، بسیاری از آنان ساکت شده و به شما گوش می دهند. اسامی دانش آموزان را حفظ کرده و هنگام سؤال کردن از دانش آموزان آن ها را به نام صدا کنیم. در تدریس برای یادگیری هر چه بیشتر مطالب، تا حد امکان از شکل استفاده کنیم. در حرکات دست و پا تعادل را رعایت کنیم. به جای غر زدن به دانش آموزانی که به درس توجهی نمی کنند، از کسانی که توجه می کنند تعریف و تمجید کنیم. و در آخر نکته ای که بسیار مهم است این است که به شغل خود عشق بورزیم و با علاقه به تدریس بپردازیم.

زهرا کلانترزاده، الهام زارع بیدکی



همراه و ضبط صوت) با تغییر در ساختار این بازی، بازی جدیدی ساختم که به شما پیشنهاد می‌کنم حتماً این بازی را در کلاس انجام دهید و مطمئن باشید نتایج خوبی از شما می‌گیرید.

نام بازی: کی منو صدا زد؟

یکی از دانش‌آموزان را مشخص کنید تا به جلوی کلاس بیاید (می‌توانید جهت تشویق دانش‌آموزی، او را انتخاب کنید) چشمان او را ببندید و از دانش‌آموزان بخواهید که همه سکوت کنند و بعد به یکی از دانش‌آموزان اشاره کنید و از او بخواهید تا دانش‌آموزی که چشمش بسته شده است را به اسم صدا بزند سپس دانش‌آموزی که چشمش بسته است باید تشخیص دهد چه کسی او را صدا زده است. جهت سخت و جذاب‌تر کردن این بازی می‌توانید از دانش‌آموزی که صدا می‌زند بخواهید با تغییر صدا، فردی که چشمش بسته شده رو صدا بزند یا این که از چند نفر بخواهید همزمان او رو صدا بزنند و بعد کسی که چشمش بسته است باید اسامی دانش‌آموزانی که او را صدا زدند نام ببرد.

**بازی تفکر کودک و نوجوان هست؛ بیایید به کلاس
بیا دهیم.**
حجت دهقانی فیروز آبادی

امروزه بازی‌های جدیدی به نام «بازی‌های جدی» که برای اهداف آموزشی طراحی شده‌اند، در سراسر جهان راه خود را به کلاس‌های درس باز کرده‌اند که متأسفانه در کشور ما این بازی‌ها ناشناخته است و معلمان ما با این بازی‌ها آشنا نیستند.

هلنه میشل، مدیر بخش بازی‌های جدی و نوآوری در مدرسه گرونوبل فرانسه (مرجع بین‌المللی در بازی‌های جدی) می‌گوید: بازی جدی، نوعی از بازی است که از ابتدا برای یک هدف جدی طراحی می‌شود. مثلاً برای هدف آموزشی یا حرفه‌ای. بازی‌های جدی در سه زمینه مفید است؛ یعنی وقتی می‌خواهید پیامی را منتقل کنید که یا پیچیده است یا خسته کننده و یا آن قدر ساده که نمی‌خواهید برای آن وقت زیادی صرف کنید.

و حال قصد دارم یکی از بازی‌های جدی را که به تربیت شنیداری و قدرت تمیز دانش‌آموزان کمک ویژه‌ای می‌کند، معرفی کنم.

از بچه‌ها بخواهید چشمان خود را ببندند. سپس به یکی از آن‌ها بگویید، صحبت کنید. بقیه بچه‌ها باید نام دوست خود را که صحبت کرده است، حدس بزنند. می‌توان افکت‌هایی را آماده و در کلاس پخش کرد و این روش را با این راهکار ادامه داد. (استفاده از گوشی

بازی در کلاس، یکی از بهترین راه‌های برقراری ارتباط دوسویه بین معلم و دانش‌آموز است که به رشد اجتماعی و عاطفی آن‌ها کمک می‌کند. همچنین باعث می‌شود با دنیای واقعی، زیبایی و زشتی‌های آن آشنا شوند و کم‌کم می‌آموزند که با همیاری و مشارکت، کارهایشان را پیش ببرند. کودکان و نوجوانان با بازی کردن می‌آموزند که مسئولیت‌پذیر باشند و راه‌هایی برای بروز و بیان اعتقادات و احساسات خود بیابند. به طور کلی می‌توان بازی را وسیله‌ای برای اظهار و بیان «خود» دانست.

به نظر جامعه‌شناسان، بازی جزئی از زندگی انسان از بدو تولد تا زمان مرگ است و انسان بدون بازی و بازیچه مانند ماهی بدون آب است.

اگر تحلیل دقیقی روی بازی کودک در خردسالی و دوره دبستانی داشته باشیم، می‌توانیم تا حد زیادی شخصیت او را در بزرگسالی ببینیم؛ خشونت، کم‌رویی، عصبی بودن، ترس و وحشت و عدم اعتماد به نفس در بزرگسالان جزو مواردی هستند که در بازی‌های کودکانه این افراد قابل کشف می‌باشند و اگر در همان دوران به کمک کودکان برویم، در بزرگسالی با مشکلات کمتری روبه‌رو خواهند شد.

گاه سؤالاتی ذهن من را به خود مشغول می‌کند، صدای تیک‌تیک ساعت در گوشم می‌پیچد به گذشته فکر می‌کنم و با خود می‌اندیشم که چقدر از لحظات عمرم به درستی استفاده کرده‌ام؟ چقدر بر بار علمی من با آمدن به دانشگاه افزوده شده است؟ چند درصد از درس‌هایی که آموخته‌ام به کار آمده و از آن استفاده می‌کنم؟ برای آینده‌ی علمی خودم چه کار خواهم کرد؟ به چه نقطه‌ای باید برسم؟ و...

یک روز داشتم متن سخنرانی را برای یکی از درس‌های دانشگاه آماده می‌کردم. سخنرانی حجت‌الاسلام والمسلمین قرائتی بود. در آن سخنرانی آمده بود: «بعضی از ما انسان‌ها دچار غرور علمی هستیم. فکر می‌کنیم چون دیپلم و لیسانس داریم خیلی باسواد هستیم. کسی که لیسانس دارد نه ماه بیشتر درس نخوانده است. چون چهار سال که دانشگاه هستند چهار تابستان تعطیل است. چهار تا سه ماه تابستان است. یک سال هیچی! هر سالی ۵۲ جمعه و ۵۲ پنجشنبه تعطیل است. سالی ۱۰۴ روز هم پنجشنبه و جمعه تعطیل است. چهار تا ۱۰۴ تا می‌شود ۴۱۶ روز هم پنجشنبه و جمعه تعطیل است. هر سال ۲۰ روز هم عید نوروز تعطیل است. چهار تا ۲۰

روز هشتاد روز می‌شود. بیست روز بین ترم تعطیل هستند. اینجا هم هشتاد روز تعطیل هستند. سی، چهل روز هم عاشورا و تاسوعا و ۲۲ بهمن و شب قدر است. از چهار سال این قدر تعطیل هستند. تازه درس‌هایی هم که خواندند خیلی از درس‌ها ضرورتی نداشته است. آخوند خوب آخوندی است که اگر بمیرد جایش خالی باشد؛ یعنی باید کتابی بخوانیم که اگر نخوانیم احساس کمبود داریم. چیزی بخوانیم که یک گره‌ای باز کند. مقام معظم رهبری فرمود: ما گفتیم تولید علم، نگفتیم: تولید مقاله. (۱۳۹۳/۷/۳۰) من نزد کسی در ایران رفتم که دکترای علوم تربیتی دارد. گفتم: در تمام دنیا آیا برای لقمه حلال هم حرف می‌زنند؟ گفت: نه اصلاً در فرهنگشان نیست. اینکه لقمه حلال در حق پذیری اثر می‌گذارد و لقمه حرام آدم را

سنگدل می‌کند، این اصلاً در کتاب‌ها نیست و وجود ندارد.

گاهی استاد دانشگاه یا یک معلم و طلبه ممکن است مشغول بحث‌های علمی باشد. حتی گفتند: اگر می‌خواهی ببینی علمت مفید است یا نه ببین اگر باسوادتر شدی، بندگی تو بیشتر شده است؟ و الا محفوظات است. محفوظات غیر از علم است. یکوقت من نزد علامه طباطبایی رفتم. گفتم: قرآن می‌گوید: «إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ» (فاطر/۲۸) یعنی کسی که عالم شد از خدا می‌ترسد و برای خدا حریص قائل است. گفت: بله. آیه قرآن است. گفتم:

حوزه و ما تشنه‌بان می‌گردیم



تذکره تشنه‌بانان

من اول طلبگی سر نماز حالی داشتم و گریه می‌کردم حالا باسواد شدم و حواسم پرت شده است. این چه معنی می‌دهد؟ ایشان تأملی کردند و فرمودند: این‌هایی که شما در حوزه خواندی علم نیست. محفوظات است. دانشگاه هم همین‌طور است. یک چیزهایی می‌خوانیم فکر می‌کنیم علم است. نه علم نیست. حضرت علی می‌فرماید: «ثمره العلم العبودیه» ثمره‌ی علم، بندگی است. شما اگر می‌خواهید ببینید آموزش و پرورش و دانشگاه ما موفق است یا نه ببینید احترام دبستانی‌ها به معلم بیشتر است یا راهنمایی‌ها؟ راهنمایی احترامشان به استاد و پدر و مادر بیشتر است یا دبیرستانی‌ها احترامشان بیشتر است یا

دانشجو‌ها؟ در دانشجو‌ها، سال اولی‌ها بهتر هستند یا آخری‌ها؟ اگر هر چه باسوادتر شدیم ادب و تواضع و خضوع ما نسبت به بزرگ‌ترها بیشتر شد، آن علم نافع است. اگر علم نافع نباشد، مضر است. در روایات و دعاها داریم، «أعوذ بك من علم لا ينفع» (بحار/ ج ۸۶/ ص ۱۸) یعنی پناه می‌برم از علم بی‌خاصیت. چون گاهی علم‌ها حجاب هم هست.

شما یک لامپی که در حیاط روشن می‌کنید. این لامپ نور است؛ اما دیگر ستاره‌ها را نمی‌بینی. ولی اگر چراغ را خاموش کنی ستاره‌ها را می‌بینی. گاهی علم نور است، ولی آدم خیلی چیزها را نمی‌بیند.

با خواندن این متن پی بردم که نباید به درس‌های دانشگاه اکتفا کرد بلکه باید در لحظه‌لحظه‌ی عمرمان مطالعه کنیم و هدف از مطالعات ما، کسب علم و بندگی ما به خدا باشد. بر این اساس امام باقر (ع) می‌فرماید: «کسی که علم را با این انگیزه طلب کند که به‌وسیله‌ی آن بر عالمان فخر بفروشد، یا با کم‌خردان به مجادله بپردازد و یا مردم را متوجه خود سازد، جایگاهش در آتش خواهد بود.» (الکافی، ج ۱، ص ۴۷).

چقدر زیبا دین به سؤالات ذهنی پاسخ می‌دهد. اینکه می‌گوید دین برنامه‌ی جامع زندگی است بیهوده نگفته‌اند؛ ما روزمرگی‌ها و دل‌مشغولی‌های روزانه آن چنان ما را به خود مشغول می‌کنند که چیزی جز سردرگمی در ما باقی نمی‌گذارند و دین و اعمال دینی را یا با عادت انجام می‌دهیم یا وقت بررسی آن را نداریم و متأسفانه گاه فکر می‌کنیم دین با مباحث علمی رابطه‌ای ندارد؛ و زمانی به این جدایی پی می‌بریم که دیر شده است. مواظب معنویات خود باشیم.

مهدیه زارع

منابع:

- مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفا ج ۸۶.
- کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق. (۱۳۴۸ ش). اصول کافی. ترجمه سید جواد مصطفوی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اهلبیت (ع). ج ۱.

تعامل انسانی دوسویه در آموزشگاه

«چگونه با دیگر کارکنان مدرسه و حتی دانش‌آموزان ارتباط برقرار کنم تا هم خودم و هم دیگران از این معاشرت و تعامل لذت ببرند؟»
 شاید بارها این سوال ذهن‌تان را به خود مشغول کرده باشد. شاید هم اولین باری باشد که با آن روبه‌رو شده‌اید. یکی از مهم‌ترین فاکتورهای شغل معلمی، تعامل و برقراری ارتباط موثر می‌باشد. در ادامه سعی شده است تا چندین راهکار مناسب را بیان کنیم.

موفقیت شما خواهد داشت. استفاده از این شیوه‌ها نه تنها معلم را خسته نمی‌کند، بلکه وی را در بین همکاران مدرسه، برجسته خواهد ساخت و در یادگیری دانش‌آموزان موثر خواهد بود. به عنوان مثال استفاده از الگوی همپاری در کلاس و گروه‌بندی دانش‌آموزان باعث خواهد شد آنها ضمن مشارکت و فعالیت در کلاس، علاقه خاصی به معلم پیدا کرده و این کار رضایت دانش‌آموزان، والدین آنها، مدیر و معاون را نیز در پی خواهد داشت و در نهایت، شما، خود پنداره‌ی مثبتی از خود خواهید داشت. استفاده از روش‌های مشارکتی و فعال یادگیری از خستگی معلم در کلاس و یکنواخت صحبت کردن وی به میزان زیادی خواهد کاست.

احترام کامل به کلیه کارکنان مدرسه، احوالپرسی و خداحافظی‌های گرم، پرس و جو از احوال همکاران، شرکت در مراسم مختلف همکاران در خارج از مدرسه، مساعدت و همدلی با آنان هنگام وجود مصائب و مشکلات، شما را فردی خونگرم و دوست‌داشتنی معرفی خواهد کرد.

شهره عامری، زهرا کلانترزاده

منابع:

مشاوره با دانش‌آموزان در مدارس، حمید اصغری پور، نگار اصغری پور، منوچهر فضلی خانی، تهران: ورا دانش روابط انسانی در آموزشگاه، میرکمالی، سید محمد، نشر یسپرون

دیگران نشانه‌ای از پرخاشگری و رابطه‌ی نامناسب است. به منظور افزایش اثر بخشی آنچه که می‌خواهید بگویید از یک لحن استوار و محکم باید استفاده نمایید و چنانچه به یک گفت و گوی داغ عاطفی پرداخته‌اید سعی کنید آرامش خود را از طریق تنفس منظم و عمیق حفظ کنید، صدای بلند و تهدید نشانه‌ای از عصبانیت و پرخاشگری می‌باشد.

انجام برخی امور به ظاهر ساده در مدرسه و کلاس، شما را به عنوان فردی فعال، پر انرژی، خونگرم و مورد علاقه به دیگران معرفی خواهد کرد که خیلی از معلمان ممکن است تمایلی به آن نداشته و یا از اهمیت آن مطلع نباشند. مثلاً انداختن عکس‌های دسته جمعی با دانش‌آموزان، برگزاری جشن فارغ التحصیلی یا اتمام پایه برای کلاس خود، شرکت در نماز جماعت مدرسه همراه دانش‌آموزان، شرکت در فعالیت‌های فوق برنامه و پرورشی همراه دانش‌آموزان، شرکت در اردوها و بازدیدهای خارج از مدرسه همراه آنان، سخنرانی در مراسم آغازین مدرسه، کمک و مساعدت مدیر، معاون و مربی پرورشی در اجرای برنامه‌ها به مناسبت‌های مختلف مذهبی و اعیاد، امانت دادن کتاب و مجله به دانش‌آموزان و فعالیت‌های متنوع دیگر و ... می‌تواند بسیار موثر واقع شود. این موارد به خصوص در مدارس ابتدایی می‌تواند خیلی مفید باشد.

مطالعه روش‌های تدریس نوین، کسب تجربه از سایر معلمان موفق، ارزشیابی از روش‌های خود و از همه مهم‌تر استفاده از شیوه‌های تدریس فعال و مشارکتی تاثیر زیادی بر

بسیاری از کارهایی که در طول زندگی روزمره انجام می‌دهیم تا با بقیه ارتباط برقرار کنیم، با اینکه خیلی ساده هستند اما می‌توانند به ما در برقراری رابطه موثر با دیگران کمک کنند. بیشتر متخصصان تعلیم و تربیت ارتباط را نوعی رابطه دو طرفه می‌دانند و به طور کلی ارتباط انسانی را به دو مقوله کلامی و غیر کلامی تقسیم می‌کنند. اما در کلاس درس اکثر رابطه‌ها یک طرفه می‌باشد و معلم متکلم وحده است. به نظر من مهم‌ترین مهارت در زمان تدریس شما، برقراری یک ارتباط صحیح با همه‌ی دانش‌آموزان می‌باشد و این مقوله باید در طرح درس سالانه شما ذکر گردد تا از همان ابتدا به فکر ارتباط صحیح با دانش‌آموزتان باشید. اگر این رابطه به خوبی برقرار شود اکثر هدف‌های آموزشی با کیفیت و پویایی بیشتری تحقق می‌یابند. هیچ‌گاه از تنبیه بدنی در کلاس درس استفاده نکنید که علاوه بر عواقب بد آن برای خود شما، باعث دوری دانش‌آموز از درس و کلاس و مدرسه و معلم می‌شود. همیشه با لبخند وارد مدرسه و کلاس بشوید. با لبخند در مدرسه و کلاس بمانید و با لبخند مدرسه و کلاس را ترک کنید. لبخند زدن یک روش بسیار ساده اما تاثیرگذار است.

حالت بدن در برقراری ارتباط نقش مهمی دارد. حفظ تماس چشمی با دیگران، حالتی مطمئن و حرکات چهره‌ای که احساس خوشایند شما را نشان دهد، همگی نشانگر یک شخصیت مثبت است، در حالی که نزدیکی یا دوری زیاد از دیگران، چهره‌ی خشن و گرفته، ورود به حریم خصوصی

هوالمعبود جذاب باشد! باید دین

نگاهی به دین گریزی جوانان و دین خاکستری

سعادت برسد. جوان باید بداند که دین نه تنها فقط برای آباد کردن آخرت آمده که برای آباد کردن دنیا هم آمده. جوان باید میوه دینداری را بشناسد و ببیند. به تعبیر امام موسی صدر: «دین درست را باید از میوه‌اش شناخت» جوان هنگامی که ببیند دین فقر را از میان برده، نظم و عدالت ایجاد کرده به آن علاقه‌مند می‌شود.

در حقیقت مشکل اصلی در مسئله دین‌گریزی، پذیرفتن جوان نیست؛ بلکه در آن چیزی است که به نام دین تبلیغ می‌شود و همینطور در روش‌های تبلیغ آن. اگر دین باید تبلیغ شود و یک کالای تبلیغی قلمداد می‌شود، باید رکن اساسی تبلیغ، یعنی جذابیت را دارا باشد. امروز ما به جای دین زلال و ناب یک دین خاکستری عرضه می‌کنیم که نه تنها جذابیتی ندارد، بلکه با روش‌های تبلیغی پیامبر وائمه(ع) نیز متفاوت است و جوان را فراری می‌دهد و چهره دین را غمگین، ضد دنیا و ضد شادی، سخت گیر و... نشان می‌دهد.

محمد صادق محسنی

نماز بخوانید؟ خیر. روزه بگیرید؟ خیر. پس آغاز دعوت پیامبر از چیست؟ یعنی زمانی که بخواهیم یک نفر را به اسلام دعوت کنیم، باید از کجا شروع کنیم؟ جوابی که ما امروزه می‌دهیم، از نماز و روزه شروع می‌شود؛ درحالی که این نتیجه دینداری است. زمانی که پیامبر به دین دعوت می‌کردند، صحبت از کرامت انسانی و صحبت از عدالت و انسانی شدن بود، صحبت از این بود که ای انسان تو اسیر هستی و ما می‌خواهیم تو را آزاد کنیم. این نشان می‌دهد که روش ما با روش پیامبر متفاوت است و همین تفاوت روش‌یکی از علت‌های دین‌گریزی جوانان شده است.

از طرف دیگر باید نتیجه دینداری و التزام به آن برای جوان روشن شود. جوان باید بداند که برای چه دینداری می‌کند. جوان باید بداند که نتیجه دینداری چیست؟ زمانی ما می‌توانیم بگوییم شما دیندار باشید که بتوانید بهتر زندگی کنید یا بهتر زندگی کردن را دیده باشید. در این شرایط است که جوان به این نتیجه می‌رسد که باید دیندار باشد تا زندگی بهتری داشته باشد و به آرامش و

جوان و مسئله‌ای به نام دین‌گریزی از مسائلی است که در عصر مدرن، بیش از پیش رو به افزایش نهاده و برای مواجهه صحیح با آن، تبیین علت‌های آن، لزوم بیشتری پیدا کرده‌است. هنگامی که از دین‌گریزی صحبت می‌کنیم، ابتدا باید مشخص کنیم که منظور ما از دین دقیقاً چیست؟ آیا دین فقط یکسری احکام عملی و ظاهری است که فرد باید انجام دهد؟ یا دین مجموعه‌ای از اخلاق و معرفت و معنویت است؟ امروز وقتی از دین صحبت می‌کنیم کدام تعریف در ذهن شما نقش پیدا می‌کند؟ البته هر دوی این تعاریف درست اند و باید در جای مناسب خود استفاده شود اما واقعیت این است که ما در بحث تبلیغ، دین را تقلیل داده‌ایم به مناسک ظاهری و دینداری را فقط و فقط انجام احکام عملی می‌دانیم و بخش دیگر آن را یعنی اخلاق، که تقدم زمانی دارد، فراموش کرده‌ایم. تاریخ به ما نشان می‌دهد که پیامبر رحمت(ص) ابتداء که به اسلام دعوت می‌کنند، از چه چیزی شروع می‌کنند و اکنون ما از چه چیز شروع می‌کنیم و این دو فاصله ما را با هم نشان می‌دهد. آیا پیامبر(ص) اول می‌گویند

آبر پارادایم علوم انسانی اسلامی

اصالت بشر یا اصالت خدا؟

یک موضع‌گیری غیرمنطقی کشانده‌است. این موضع‌گیری غیرمنطقی این است که کلاً آنچه که از مقولات دینی است از پیش با یک پیش‌داوری به عنوان امری باطل و غیر علمی تلقی کرده و این پیش‌فرض پایه علوم انسانی قرار گرفته است؛ یعنی آنچه مذهب آورده است، غلط و باطل است. رهبر معظم انقلاب ضمن تأکید بر تحول و بومی‌سازی معتقدند، علوم انسانی معاصر از مشکلی اصلی رنج می‌برد؛ و آن این است که پایه‌های اصلی این علوم بر اساس «مفروضات ضد دینی» پی‌ریزی شده است و نبرد بین علم و مذهب در اروپا که از زمان رنسانس آغاز شد و تا به امروز هم ادامه دارد نشان‌دهنده همین مطلب است. از دیدگاه رهبری دوروی سکه آسیب تولید علم در حوزه علوم انسانی عبارت است از: تقلیدی کردن علم و رواج ترجمه‌گرایی؛ بی‌خبری از تحولات جدید علمی. از دیدگاه رهبر فرزانه انقلاب لازمه تولید علوم انسانی، برقراری پایه‌های علمی بر مبنای دین است. ایشان درباره نقش علم دینی در تحول علوم انسانی می‌فرماید: «مبنای علوم انسانی غرب که در دانشگاه‌های کشور به صورت ترجمه‌ای تدریس می‌شود، جهان‌بینی مادی و متعارض با مبنای قرآنی و دینی است، در حالی که پایه و اساس علوم انسانی را باید در قرآن جستجو کرد. اگر این کار انجام شود پژوهشگران با استفاده از مبنای قرآنی و همچنین استفاده از برخی پیشرفت‌های علوم انسانی، می‌توانند بنای رفیع و مستحکمی را از علوم انسانی پایه‌گذاری کنند (۱۳۸۸/۷/۲۸). شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی بدون اتکاء به فلسفه اسلامی و علوم عقلی ممکن نیست. این فلسفه اسلامی است که زمینه تولید دانش اسلامی را برای پاسخگویی

تحول در علوم انسانی از مباحث بنیادینی است که با تأکید مقام معظم رهبری، پیرامون «جنبش نرم‌افزاری» و «نهضت تولید علم» در محافل علمی و در بین صاحب‌نظران علوم انسانی مطرح شده است، اما آنچه در این بین مغفول مانده، توجه به مفاهیم پایه و اساسی در علوم انسانی است. جامعه‌سازی بر مبنای دانش شکل می‌گیرد و اگر ما بخواهیم جامعه‌سازی و تمدن‌سازی کنیم، باید دانش آن را داشته باشیم. دانش جامعه‌سازی در یک معنا شامل این است که ما علوم انسانی متناسب با جامعه دینی داشته باشیم. جامعه‌سازی به یک زیر ساخت علوم انسانی احتیاج دارد و اهمیت آن چنان است که تحول در علوم انسانی به عنوان یکی از مطالبات جدی رهبر انقلاب مطرح است. منظور از تحول در علوم انسانی و اسلامی کردن علوم، صرفاً تعویض اصطلاحات و اسامی نیست یا مثلاً در کنار واحدهای دانشگاهی چند واحد معارف اسلامی قرار دادن و عرضه کردن! بلکه مقصود تغییر در جهان‌بینی‌ها و مبنای بنیادین فلسفی است. امروزه گزاره‌هایی که با نام علوم انسانی شناخته می‌شود و در اطراف آن کتاب‌ها نوشته شده است. خاستگاه‌اش مغرب زمین است و خواه ناخواه تأثیر فرهنگ و ادبیات و فلسفه غرب در آن‌ها تعبیه شده است. اساس و مبنای آنچه که امروز ما به عنوان علوم انسانی می‌شناسیم برگرفته از اندیشه‌ها و تطورات انسان غربی است که متناسب با جامعه مغرب زمین تهیه و تدوین شده است، اما در کشور ما نیز ترجمه شده و در دانشگاه تدریس می‌شود. سال‌ها است که در غرب یک مغالطه بزرگ صورت گرفته و علم و مذهب را مقابل یکدیگر قرار داده‌است. این تضاد، تفکر اروپایی را به

و همه چیز و همه کس با او تعریف می‌شود، حتی خدا نیز در نسبت با بشر دیده و تبیین می‌شود! اما در ابروادی خداگرایی، به جای بشر یا هر پدیده‌ی دیگری، این خداست که مرکز و کانون هستی است و در مناسبات هستی، همه چیز با او تعریف و تبیین می‌شود. همین فلسفه اصالت انسان در غرب بود که به آدمی جرئت داد تا جهان را بدون حضور خداوند تحلیل و توجیه عقلانی کند و نهایتاً زمام امور را به دست علم تجربی بی‌خدا بسپارد. همان طور که گفته شد مبانی اسلامی سازی علوم انسانی همان اصول جهان‌بینی توحیدی اسلامی است که با جهان‌بینی حاکم بر علوم انسانی موجود تعارض دارد. اومانیزم با محوریت انسان، همه چیز را با بشر تعریف می‌کند، حتی خدا و این ضرورت تبیین و بازخوانی مبانی و مفاهیم بنیادی تفکر فلسفی غرب و جایگزینی فلسفه اسلامی که برگرفته از مفاهیم قرآنی است ایجاد می‌کند تا بر مبانی آن علوم انسانی مناسب و متناسب با جامعه ما تولید شود.

محمد صادق محسنی

به حوائج فردی و اجتماعی انسان مهیا می‌کند و اجازه نمی‌دهد انحرافات گوناگونی در فکر ناب اسلامی باز شود. اما علوم انسانی اسلامی و غربی در چه مبنایی با یکدیگر اختلاف دارند؟ شاید بتوان ریشه‌ای‌ترین اختلاف آن دو را در پارادایم یا به تعبیری چارچوب تصویری آنان و دریچه‌ای که از آن به هستی، خدا و انسان می‌نگرند دانست. یک پارادایم چگونه تعیین و تبیین می‌شود؟ برای تبیین هر پارادایم می‌توان از «قاعده مرکز پیرامون» استفاده کرد که در آن، هر پارادایم به عنوان یک کل، به مثابه یک دایره تصور می‌شود که همه چیز در آن با مرکز دایره تعریف می‌گردد. به عبارتی همه چیز در پیرامون به مرکز اقتدا می‌کند. در واقع تبیین و تنظیم ساختار تفکر در یک پارادایم، بستگی به تبیین انگاره مرکزی دارد که همه چیز با آن تعریف می‌شود. در قاعده‌ی مرکز پیرامون در محیط اجتماع بشری کنونی، دو گونه‌ی عمده پارادایمی وجود دارد: سوپر پارادایم اومانیزم یا انسان محوری که اصالت را به انسان می‌دهد و سوپر پارادایم تثویسم یا خدامحوری که اصالت را به خدا می‌دهد. در سوپر پارادایم اومانیزم، بشر در کانون مناسبات هستی قرار دارد،





تأثیر موتورهای جست و جو بر حافظه

وحشت و نگرانی می‌کنند چراکه امروزه ابزارهای هوشمند بیش از خود ما در مورد زندگی شخصی ما اطلاعات دارند. هرچند ابزارهای دیجیتالی متصل به اینترنت زندگی امروزی ما را غنی‌تر کرده‌اند ولی خطر بالقوه فراموشی دیجیتالی را در ما بیشتر کرده‌اند.

مخالفت رهبر معظم انقلاب اسلامی با بستن فضای مجازی و رها کردن آن:

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با معلمان در اردیبهشت ماه سال گذشته در مورد فضای مجازی سخنان قابل تأملی بیان کردند و در آن بستن و رها کردن فضای مجازی را ناعقلانه دانستند و به دستگاه‌های مربوط از جمله وزارت ارتباطات و شورای عالی مجازی گله کردند.

مشروح سخنان مقام معظم رهبری در

اطلاعاتی که به دست آورده‌اند، این اطلاعات را فراموش می‌کنند.

دکتر ماریا ویمبر، از دانشکده روانشناسی دانشگاه بیرمنگام، معتقد است: جستجوی آنلاین اطلاعات به جای تلاش برای به یاد آوردن آن‌ها، ما را به متفکران سطحی بدل کرده است. اطلاعات تکرار شونده منفعل حافظه بلند مدت قوی را برای ما ایجاد نمی‌کنند.

اکثر والدینی که در این مطالعه علمی شرکت کرده بودند شماره تلفن مدرسه فرزندشان را حفظ نبودند و بیش از نیمی از آن‌ها هم نمی‌توانستند شماره تلفن همراه فرزندشان را به یاد بیاورند.

بنابراین جای تعجب نیست که اکثر افرادی که در این نظرسنجی شرکت کرده بودند در صورت گم کردن گوشی همراه خود احساس

استفاده مداوم از موتورهای جستجو، تأثیر بدی روی حافظه افراد دارد.

امروزه وجود موتورهای جستجو باعث شده تا در کسری از زمان به اطلاعات مورد نیاز خود دست پیدا کنیم. از این رو فشار کمتری به مغز خود برای به یاد آوردن مفاهیم می‌آوریم. ولی قابلیت دستیابی به اطلاعات در موتورهای جستجو مانند گوگل، سبب شده تا کم‌کم خاطرات خود را هم فراموش کنیم. به تازگی شرکت کسپرسکی در این زمینه مطالعه‌ای را انجام داده است.

وقتی سؤالی پرسیده می‌شود، ۳۶ درصد اروپایی‌ها گفته‌اند که به جای این که سعی کنند تا پاسخ سؤال را به یاد بیاورند، ترجیح می‌دهند که در فضای مجازی به دنبال پیدا کردن جواب باشند. همچنین ۲۴ درصد از افراد نیز اعلام کرده‌اند که پس از استفاده از

باید مطلبی را به دوست خود توضیح دهید؛ می‌توانید جواب مورد نظر را به صورت ویس به این ربات ارسال کنید تا در عرض چند ثانیه، Voicy آن را به‌طور هوشمند تایپ و برای شما ارسال کند. برای استفاده از این ربات کافی است به آیدی voicybot پیام دهید.

چک کردن ایمیل همیشه یکی از مهم‌ترین کارهایی بوده است که هر کاربر به آن نیاز دارد. با آمدن اپلیکیشن‌های مدیریت ایمیل، خواندن ایمیل و پاسخ دادن به آن آسان‌تر از همیشه شده بود و بدون نیاز به کامپیوتر یا مراجعه به مرورگر می‌توانستیم با استفاده از این اپ‌های مدیریت ایمیل، ایمیل دریافتی را بخوانیم و به آن پاسخ دهیم. این موضوع بسیار مورد استقبال کاربران قرار گرفت؛ اما اگر فکر می‌کنید خواندن ایمیل و پاسخ دادن به آن دیگر از این آسان‌تر نمی‌شود اشتباه کرده‌اید، چراکه مدتی است که یک ربات تلگرامی برای Gmail آغاز به کار کرده است که این امر را حتی از اپلیکیشن‌های مدیریت ایمیل نیز ساده‌تر می‌کند. به کمک ربات GmailBot که به صورت رسمی از سوی تلگرام منتشر شده است شما می‌توانید اکانت جیمیل خود را به تلگرام متصل کنید و قادر به دریافت آئی ایمیل‌های جدید، پاسخ‌دهی به آن‌ها و حتی ارسال ایمیل جدید باشید. استفاده و ثبت ایمیل در ربات GmailBot بسیار ساده‌تر از چیزی است که فکر می‌کنید. برای استفاده از این ربات کافی است به آیدی GmailBot پیام دهید.

مصطفی غمخور اردکانی

منبع:
وبسایت زومیت

و امثال این‌ها سروکار دارند؛ خب، اینجا لغزشگاه است. هیچ‌کس نمی‌گوید آقا جاده نکش. اگر شما در یک منطقه‌ای جاده‌ای لازم دارید، خیلی خب، جاده بکش، جاده‌ای اتوبان هم بکش اما مواظب باش! آنجایی که ریزش کوه محتمل است، آنجا محاسبه‌ی لازم را بکنید. ما به دستگاه‌های ارتباطی خودمان، به مجموعه‌ی وزارت ارتباطات و شورای عالی مجازی - که بنده از آن هم گله دارم - سفارش‌مان این است. ما نمی‌گوییم این راه را ببندید؛ نه، اینکه بی‌عقلی است. یک کسانی نشسته‌اند، فکر کرده‌اند، یک راهی باز کرده‌اند به‌عنوان این فضای مجازی و به قول خودشان سایبری؛ خیلی خب، از این استفاده کنید منتها استفاده‌ی درست بکنید؛ دیگران دارند استفاده‌ی درست می‌کنند؛ بعضی از کشورها طبق فرهنگ خودشان این دستگاه‌ها را قبضه کرده‌اند. ما چرا نمی‌کنیم؟ چرا حواسمان نیست؟ چرا رها می‌کنیم این فضای غیرقابل کنترل و غیر منضبط را؟ مسئول‌اند، یکی از مسئولین هم همین‌ها هستند؛ دستگاه وزارت ارتباطات است.» (۱۳۹۵/۲/۱۳)

معرفی دو ربات کاربردی تلگرام:

ربات‌های تلگرامی را می‌توان به‌جرت یکی از مهم‌ترین و کاربردی‌ترین قابلیت‌های تلگرام دانست که از زمان ارائه تاکنون، با استقبال زیاد کاربران مواجه شده‌اند. در حال حاضر تلگرام تعداد بسیار زیادی ربات دارد که در میان آن‌ها موارد بسیار کاربردی و جالبی می‌توان پیدا کرد. Voicy نیز یکی از این ربات‌ها است که می‌تواند صدای شما را تبدیل به متن کند. برای مثال اگر حس و حال تایپ کردن ندارید اما درعین حال

مورد فضای مجازی در دیدار با معلمان به شرح زیر است:

«یکی از مسئولین در این زمینه (پرورش جوانان و مسائل پرورشی) صداوسیما است؛ صداوسیما خیلی نقش می‌تواند ایفا کند. من سال گذشته هم گفتیم، عمل نشده، آن‌چنان که باید عمل نشده؛ صداوسیما باید یک سرفصل کاری مخصوص آموزش و پرورش داشته باشد. آدم‌های با فکر، بنشینند برنامه‌ریزی کنند. چند روز پیش - شاید هفته‌ی پیش - جمعی از نوجوان‌ها و جوان‌های دانش‌آموز این‌جا در حسینیه بودند و برایشان بنده صحبت کردم. یکی‌شان یک نامه‌ای به من داد، دیدم حرف حسابی می‌زند. نوشته بود که در صداوسیما برای کودکان برنامه هست، برای بزرگ‌ها برنامه هست، برای ما جوانان دبیرستانی برنامه نیست. دیدم راست می‌گوید، حرف درستی است. کدام برنامه را برای این جوان فراهم کردید که بتواند از آن استفاده‌ی روحی، استفاده‌ی فکری، استفاده‌ی دینی، استفاده‌ی علمی کند. البته برنامه‌های علمی در بعضی از شبکه‌ها هست، این‌ها برنامه نیست؛ برنامه‌سازی باید بشود؛ هنرمندانه کار باید بشود. این هم یک دستگاه که دستگاه موظفی است.

یکی وزارت ارتباطات است. این فضای مجازی امروز از فضای حقیقی زندگی ما چند برابر بزرگ‌تر شده؛ بعضی‌ها اصلاً در فضای مجازی تنفس می‌کنند؛ اصلاً آنجا تنفس می‌کنند، زندگی‌شان در فضای مجازی است. جوانان هم سروکار دارند با فضای مجازی، با انواع و اقسام چیزها و کارها، با برنامه‌های علمی‌اش، با اینترنتش، با شبکه‌های اجتماعی‌اش، با مبادلات



معلم نازنین فاطمه

محبت معلم، استعداد هر کودکی را شکوفا می‌کند.



داشته‌است موجب شد اسم شما بر سر زبان‌ها بیافتد، به نظر خودتان چه مسئله‌ای موجب شد تا این حد شما را نسبت به معلمان دیگر سرآمد کند؟ بنده لایق این همه لطف و توجه مسئولین نیستم. هر کاری انجام شده‌است؛ اولاً که توفیق خداوند بوده تا در خدمت نازنین فاطمه‌السادات باشم، اما رسانه‌ای شدن من موجب نشده‌است که در روند کار و در روند آموزش من تغییری ایجاد شود و تلاشم را نسبت به قبل بیشتر کنم؛ بلکه بنده بیشتر خودم را زیر دین می‌دانم و احساس مسئولیت بیشتری می‌کنم. اما به نظر خودم علت موفقیت من خلوص نیت و علاقه‌ای است که داشتم و موجب پیشرفت من شده‌است. در تدریس روال معمول را داشتم. چون نفس

مندظر داشتم که بر اثر گذر زمان به آن ایمان آوردم و هم برکاتی که در رشته‌ی آموزش ابتدایی دیدم، موجب شد اراده‌ی من در زندگی محکم‌تر شود.

– شغل معلمی در زندگیتان تأثیرگذار بوده است؟

بله خیلی زیاد، شاید از لحاظ مادی مشکلاتی بر سر راه معلمان وجود داشته باشد، اما من بیشتر به جنبه‌ی معنوی آن توجه می‌کنم؛ به گونه‌ای که اگر همه‌ی معلمان جنبه‌ی معنوی آن را کنار بگذارند، هیچ انگیزه‌ای برایشان نمی‌ماند و تنها مشوق معلمین همین عاقبت‌به‌خیری حاصل از این کار است. **– با پیشرفت چشمگیری که نازنین فاطمه‌السادات، دانش‌آموز نابینا و ناشنای شما در یادگیری دروس**

– از خودتان و روزمه‌ی کاری خود برای ما بگویید.

بی‌بی‌رضیه میردهقان هستم. با فوق‌دیپلم کودکان استثنایی و ۲۷ سال سابقه کاری در مدرسه ناشنوایان مشغول به کار شدم. کارشناسی آموزش ابتدایی و پنج دانش‌آموز دارم و سه سال هست که با نازنین فاطمه‌السادات که چند معلولیتی هست، کار می‌کنم. چهارتا از دانش‌آموزانم ناشنوا هستند؛ اما نازنین فاطمه‌السادات ناشنوا و نابینا است.

– چرا این رشته را انتخاب کرده‌اید کسی شما را راهنمایی کرد یا مشوق و الگویی داشتید؟

به آن علاقه‌مند بودم، در رشته‌ی کودکان استثنایی هم بیشتر جنبه‌ی معنوی آن را

و لیاقت آن را داشته باشیم که معلم شویم چرا که خداوند هر کسی را لایق این شغل نمی‌داند.

من خیلی شغلم را دوست دارم و خیلی خوشحالم که معلم هستم و اگر دوباره به عقب باز گردم همین شغل را انتخاب می‌کنم. هر کس در این شغل گام برداشته است خدا به او نظر داشته است. بنده لایق سفارش و توصیه به دیگران نیستم؛ اما تجربه‌ی ۲۷ ساله‌ی من این هست که اگر علاقه داشته باشند، هیچ مشکلی نمی‌تواند سر راهشان قرار بگیرد و مانع کارشان شود و فقط در این راه از خدا کمک بخواهند.

– **حس خود را در مورد کلمات زیر در یک جمله بگویید:**

کودکان ناشنوا: فرزندان خودم هستند که برای موفقیتشان تمام تلاشم را می‌کنم.

نازنین فاطمه السادات: تمام عشق و وابستگی من

دانشجومعلم‌ان: امیدهای آینده‌ی این سرزمین

مدرسه‌ی باغچه‌بان: جایگاهی برای رشد و پرورش کودکان معصوم استثنایی

خط بریل: روزنه‌ی امید
زهرا عبدلی، سعید جعفری

مدرسه و ... تشکر کنم.

– **چه عاملی موجب شده‌است که در دورانی که با کودکان استثنایی کار می‌کنید، ناامید نشوید و به راه خود ادامه دهید؟**

اینکه ما به کودکان استثنایی یاد بدهیم و شاهد پیشرفت چشمگیر آن‌ها باشیم یک نقطه‌ی امیدی در زندگی ما ایجاد می‌شود و در کنار سختی‌هایی که در شغل معلمی هست، امیدوار می‌شویم. شغل معلمی در کنار مشکلاتی که دارد اگر در آن بتوانیم به دانش آموزی کمک کنیم، مخصوصاً به کودکان استثنایی، انسان احساس غرور می‌کند و انگیزه و افق دید دورتری پیدا می‌کند.

این کودکان شاید مهندس و دکتر نشوند اما همین که سربار جامعه نباشند و بتوانند گلیم خود را از آب بکشند، خیلی خوب هست؛ مثلاً تشکیل خانواده بدهند و در کارهایی مثل خیاطی، گرافیک و... موفق بشوند، برای ما موجب افتخار هست.

– **برای معلمان و دانشجومعلم‌ان آینده چه توصیه‌ای دارید؟**

شاید در جامعه بگویند که شغل معلمی درآمدی ندارد و مشکلات زیادی داشته باشد اما خدا به ما نظر دارد و ما باید ظرفیت

تدریس کودکان استثنایی، روش خاص خودش را دارد. شاید چیزی که موجب شد مورد توجه همکاران و مسئولین قرار بگیرم مواجه شدن با نازنین فاطمه السادات بود.

– **اگر خودتان فرزندِ نازنین فاطمه السادات داشتید، دوست داشتید در چه شرایطی و با چه امکاناتی به تحصیل بپردازد؟ آیا امکانات موجود در یزد و حمایت مسئولین کافی است؟**

اولاً که نازنین فاطمه السادات هم مثل فرزند خودم است، دوست داشتم همه‌ی امکانات و هر چه دارم را در اختیارش قرار بدهم و تمامی آن چه در کتاب‌های کلاس اول هست، به او آموزش دهم و مطالب را برایش قابل فهم و قابل لمس کنم به گونه‌ای که هیچ حذفیاتی برایش نداشته باشم. مثلاً زمانی که برف می‌آید به مادرش زنگ می‌زنم و می‌گویم او را به بیرون ببر تا برف را لمس کند. چون دوست دارم دانش آموزانم در موقعیت‌های واقعی و طبیعی قرار بگیرند.

از مسئولین هم انتظار دارم که به کودکان استثنایی کمک کنند، البته لازم است از مسئولین، از جمله آقای قدمی که رئیس آموزش و پرورش استثنایی هستند، خانم خسروی که در آموزش خط بریل به من نقش بسیار مهمی داشتند و خانم فلاح مدیر





مزاج شما چیست؟

پیامبر اکرم(ص): «خداوند خلق نکرد دردی را مگر آنکه برای آن درد، دوايي خلق نمود.» (نهج الفصاحه، ص ۳۱۴)

زیاد و دهانی خشک و تلخ دارند. زود عصبانی شده و زود هم آرام می‌شوند. افرادی پر جنب و جوش، پرانرژی، باهوش و پرحرف هستند. تمایل به خوردن ترشی‌ها مثل لواشک و سرکه و همچنین غذاهای سرد مثل خیار و کاهو دارند و به خوردن خوراکی‌های شیرین کمتر تمایل نشان می‌دهند. از نشانه‌های دیگر مزاج صفراوی می‌توان به این موارد اشاره کرد: زبری پوست صورت، ناراحتی معده، ترک خوردن پوست دست و پا، جوش و آکنه در سر و صورت، نبض سریع، شوره‌ی سر و ریزش مو.

بهترین خوراکی‌ها برای این افراد غذاهایی با طبع سرد و تر مانند انار، گیلان، گلابی، شاه توت، آلو، خیار، هندوانه، روغن زیتون، کدو خورشتی، قارچ، مغز بادام خام، پیاز، ماش، سوپ جو و... می‌باشد و بدترین غذاها برای این افراد غذاهای گرم و خشک مانند: چای، قهوه، ماکارونی، ادویه جات تند، بادمجان، موز، خربز، طالبی و... است.

۲. طبع گرم و تر (دموی مزاج):

این افراد به طور کلی درشت اندام بوده، دارای پوستی سرخ و سفید و موهای پرپشت هستند و دهانی شیرین دارند. این افراد نه تحمل گرمای زیاد را دارند و نه تحمل سرمای زیاد. پوست بدنشان گرم، مرطوب و نرم است. زیاد چرت

بخورند و یک عدد جوش هم در چهره‌شان ظاهر نشود. لازمه شناخت راز این تفاوت‌ها و نحوه اصلاح و کنار آمدن با آن‌ها، درک درست بحث مزاج شناسی است. که در اینجا به صورت خیلی خلاصه به آن می‌پردازیم. حکما معتقداند که انسان، حیوان، گیاه و... همه از پنج رکن یا مزاج اصلی تشکیل شده‌اند که ما در اینجا فقط به معرفی مزاج‌های انسان می‌پردازیم و شناخت و درک مزاج گیاهان و سایر موجودات را به خودتان می‌سپاریم. به طور کلی همه مزاج‌ها اعم از گرم و سرد و معتدل و... اثری هستند و انسان در به وجود آمدن آن‌ها نقش زیادی ندارد و بیشتر به عواملی از قبیل ژنتیک، شرایط محیطی، آب و هوا و تغذیه بستگی دارد.

۱. طبع گرم و خشک (صفراوی مزاج):

مزاج صفراوی رایج‌ترین مزاج در مناطق گرم و خشک (کویری) همچون استان یزد است، به همین دلیل در اینجا به صورت مفصل‌تر به آن خواهیم پرداخت. به طور کلی افرادی که چنین طبعی دارند لاغر اندام هستند و رنگ چهره و سفیدی چشم آن‌ها به زردی می‌زند. پوستی گرم و خشک دارند. گرمایی هستند و تحمل فصل تابستان را ندارند. عطش

برصاحبان عقل و اندیشه پوشیده نیست که اسلام به عنوان کامل‌ترین دین آسمانی قادر است انسان را به بلندای فضائل و سعادت و امنیت برساند، اسلام دین زندگی است و حفظ سلامتی جسم و جان را تا «عَنْدَ مَلِیکِ مُقْتَدِرٍ» بدرقه می‌نماید، پس باید تا آن روز موعود از حیطة سلامتی پاسداری کنیم. در منابع دینی به شیوه‌های گوناگونی برای حفظ سلامتی و تندرستی اشاره شده است، یکی از این شیوه‌های حفظ تندرستی مزاج شناسی است که شاید بتوان گفت مزاج شناسی مهم‌ترین بخش در فهم طب اسلامی و همچنین طب سنتی ایران است. برای اینکه با اهمیت این موضوع بیشتر آشنا شوید لطفاً به مقدمه زیر توجه کنید:

همواره تفاوت بین افراد توجه ما را به خود جلب می‌کند. برخی نوزادان زردی می‌گیرند و برخی نمی‌گیرند. بعضی افراد لاغرند و بعضی درشت اندام‌اند. برخی شجاعند و برخی ترسو. عده ای زود عصبانی می‌شوند و عده‌ای خیلی صبور و آرامند. بعضی قدرت حافظه بالایی دارند و بعضی هم مرتباً مطالب را فراموش می‌کنند. یکی خواب سبک دارد و دیگری خواب سنگین. برخی با خوردن یک عدد خرما جوش می‌زنند و عده ای دیگر ممکن است یک بشقاب خرما



می‌باشد همراه آن توصیه می‌شود. نکاتی بسیار مهم در طب اسلامی و سنتی به منظور پیشگیری از بیماری‌ها

۱. به هیچ عنوان همراه غذا آب و مایعات نخورید. (بهترین زمان نوشیدن آب، نیم ساعت قبل و دو و نیم ساعت بعد از غذا می‌باشد)
۲. تا گرسنه نشده‌اید غذا نخورید و قبل از سیر شدن کامل دست از غذا بکشید.
۳. صبحانه را کامل خورده و هرگز خوردن شام را ترک نکنید.
۴. غذای خود را با حوصله خورده و آن را خوب بجوید.
۵. غسل را به برنامه غذایی روزانه خود اضافه کنید.
۶. هنگام غذا خوردن دست‌های خود را خوب بشوید.
۷. بیشتر از غذاهای گیاهی و کمتر از غذاهای گوشتی استفاده کنید (هفته‌ای یک وعده غذای گوشتی کافی است).
۸. همراه با غذا، خوردن سبزیجات یا زیتون را فراموش نکنید.

امیدواریم شما معلمان و دانشجو معلمان عزیز با مطالعه این مطالب علاوه بر اینکه خود را از پزشک بی‌نیاز می‌کنید، بتوانید در سلامت جسم و جان نسل‌های متعددی نیز نقش داشته باشید.

مهدی بیکی ده‌آبادی

۵. مزاج معتدل:

افرادی که دارای چنین طبعی هستند، معمولاً بین گرم و سرد قرار دارند. تعداد این قبیل افراد در جامعه نسبت به سایر طبع‌ها کم است. چنین افرادی نسبت به خوراکی‌ها حساسیت زیادی نشان نمی‌دهند و معمولاً هر نوع غذایی با طبع آن‌ها سازگاری دارد و نسبت به بقیه مردم کمتر دچار بیماری و کسالت می‌شوند.

اگر با مطالعه مطلب بالا هنوز پی به مزاج خود نبردید یا دچار شک شده‌اید بهترین راه مراجعه به متخصص طب سنتی است که این معما را به راحتی برای شما حل خواهد کرد.

نکته‌ی آخر اینکه شاید چنین فکر کنند که در زندگی امروزی رعایت همه اصول خوراکی طبق مزاج هر فرد دشوار یا حتی غیرممکن است. بهترین و آسان‌ترین راه حل طب سنتی برای این امر اضافه کردن مصلح به خوراکی مورد نظر است. مصلح ماده غذایی می‌باشد که سردی و گرمی غذاها را به اعتدال نزدیک کرده و عوارض آن را به حداقل می‌رساند. به عنوان مثال برنج یک ماده‌ی غذایی با طبع سرد است و خوردن آن برای افراد سوداوی و بلغمی مزاج ایجاد مشکل خواهد کرد. برای اینکه از ایجاد این مشکل پیشگیری شود استفاده مصلح برنج که شوید و زیره سیاه (که طبعی گرم دارند)

می‌زنند و کسالت و خمودگی مداوم دارند. بهترین خوراکی‌ها برای این افراد غذاهایی با طبع سرد و خشک است و باید حتی الامکان از غذاهای گرم و تر دوری کنند.

۳. طبع سرد و خشک (سوداوی مزاج):

این افراد اندامی لاغر دارند. خواب این افراد کم بوده و بینی خشکی دارند. به شیرینی و گرمی‌ها نسبت به سردی‌ها تمایل بیشتری دارند. سوداوی مزاجان افرادی دقیق، منظم، دوراندیش و محاسبه‌گر هستند. افرادی که دچار افسردگی و وسواس هستند اغلب در این گروه قرار می‌گیرند. بهترین خوراکی‌ها برای این افراد غذاهای با طبع گرم و تر است و باید از خوردن خوراکی‌های سردی بخش بپرهیزند.

۴. طبع سرد و تر (بلغمی مزاج):

این افراد اندامی چاق و پرچربی و موی سفید و کم پستی دارند. تشنه نمی‌شوند و دهان مرطوبی دارند. خواب زیادی دارند و بیشتر تمایل به مصرف گرمی‌ها مثل شیرینی و ادویه دارند. این افراد کم انرژی و کند هستند. معمولاً صبور و آرامند و کمتر عصبانی می‌شوند. بهترین خوراکی‌ها برای این افراد غذاهایی با طبع گرم و خشک است و بدترین غذاها برایشان غذاهای سرد و تر است.

سیاست مداران کوچک، آینده سازان بزرگ

تربیت سیاسی آموزش و پرورش، گم شده‌ای که یکی از مهم‌ترین ابزارهای آینده‌ساز کشور است.



بر نمی‌تابد. با توجه به این نکته جلوی سؤال‌های متعدد و متنوعی که ذهن او را هم مشغول کرده نباید گرفت. هرچند خود فرد پس از مدتی خود به گرایش خاصی دست می‌یابد و آن را دنبال می‌کند اما ما باید از او بخواهیم که همیشه نگاهی به همه‌ی منابع و مطالب با دیدگاه‌های مختلف داشته باشد. حال با توجه به همه‌ی این موارد، شخص به مهارت و تجربه و تحلیل در این زمینه می‌رسد.

پس از این که اولین وظیفه صورت گرفت و فرد به دانش و مهارت کافی رسید، باید به او اجازه‌ی فعالیت داد و در حل تعارضات و مشارکت از او بهره گرفت.

در تربیت به سه رکن اساسی باید توجه کرد: (۱) شناخت فرد از نظام سیاسی (۲) احساس و وظیفه شناسی فرد به نظام که لازمه‌ی هر نظامی است (۳) حس شایستگی و نقش داشتن فرد در نظام.

جهت دهی و آگاه کردن در این جا، آشنا کردن افراد با علم و مهارت سیاسی و حمایت از رشد آن‌ها و یافتن استعدادها و هر کدام با تشویق و دادن مسئولیت است. البته توجه شود که در همه‌ی مباحث گفته شده، فرد به واقعیت‌های جامعه توجه کند و از ارزش‌ها عبور نکند. باید فرد به درجه‌ای برسد که در شرایطی که بسیاری از افراد، به این مسائل نمی‌اندیشند و او را متفاوت می‌خوانند و در شرایطی که موانع مختلف برای سد کردن راهش آمده‌اند، دلسرد نشده و برای رسیدن به شرایط مطلوب تا حد لزوم ادامه دهد. در نهایت انسانی تربیت می‌شود که هویت دینی و ملی دارد، به خودباوری رسیده، به برقراری عدالت و قانون می‌پردازد و مسائل را بررسی، تجزیه و تحلیل می‌کند.

پس هر چه زودتر از خودمان شروع کنیم!

فاطمه‌ماندگاری

منبع
کتاب تحلیل سیاسی؛ تربیت سیاسی

مشاهده می‌شود و امروزه نیز محققان به همبستگی آموزش و پرورش و پرورش سیاسی تأکید کرده‌اند.

تکنولوژی امروزه نقش مهمی را در تربیت ایفا کرده و کار را برای تربیت کنندگان در تربیت سیاسی سخت‌تر می‌نماید زیرا افراد و خصوصاً افراد مورد تعلیم، روزانه با رسانه‌هایی در ارتباط اند که سراسر هجویات است و افراد را از علم واقعی دور می‌کند؛ و این موضوع ذائقه‌ی جوان امروز را تغییر داده و او را به سمت سرعت، دیدن بیشتر فیلم و تیزر و مطالعات چندخطی رسانده و اکثر افراد در خود علاقه به موضوعات حیاتی و مفید از جمله سیاست را نمی‌بینند. عصر جدید سبب شده وقتی به گوشی و اتاق نوجوانی نگاه می‌اندازی؛ عکس بازگران و خواننده‌ها را ببینی. افرادی که الگوی فرد قرار گرفته‌اند و از مفاخر خود تنها نامی می‌داند؛ حال آن که در کشور اسلامی ما الگوها باید با توجه به مکتب دینی و ارزش‌های آن باشند و متأسفانه فرد از الگوی صحیح خود دور شده است.

با توجه به همه‌ی این شرایط فرد باید به گونه‌ای جهت دهی و راهنمایی شود که علاوه بر گذر از این مرحله، به اطلاعات گوناگون دست یابد و توانایی آن را داشته باشد که بین همه‌ی آن‌ها اطلاعات صحیح را بیابد، استفاده از منبع درست را بیابد، تجزیه و تحلیل کند و درک درست از شرایط داشته باشد.

سیاست را هم علم دانسته‌اند و هم مهارت. پس در ابتدا باید علوم پایه و لازم را یاد داد. هر فرد باید به منابع اطلاعاتی دست یابد، روزنامه‌های مختلف را بخواند، اخبار را ببیند، سراسره‌ها را بخواند و سخنرانی‌های مختلف به خصوص سخنان امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی) را هم گوش کند و هم بخواند تا به علم آن دست یابد. در این زمینه نباید از فرد خواست فقط به روزنامه‌ای که متعلق به جناح خاصی است یا اخباری که به سمت خاصی جهت دهی دارد، توجه کند. نوجوان و فرد آزاد اندیشی که هدف تربیت و تربیت سیاسی است چنین چیزی را

ارسطو می‌گوید: «در میان تمام چیزهایی که بیان کرده‌ام، آنچه بیشترین سهم را در دوام و قوام قوانین دارد، سازگاری آموزش و پرورش با نوع دولت است و این چیزی است که جهانیان از آن غافل هستند.» (فلسفه آموزش و پرورش، فیلیپ جی اسمیت، سعید بهشتی، ص ۵۹)

تکیه‌گاه دعوت اسلامی، تربیت است و یکی از اهداف مهم در نظام تعلیم و تربیت، تربیت سیاسی است. در دیدگاه اسلام، سیاست در خدمت اخلاق و تربیت است. در این میان، سیاست هم تعریف متنوع و خاص خودش را دارد. حال با توجه به تعریف‌های گوناگون تربیت و سیاست، تربیت سیاسی چیست؟! و ربط آن به ما معلمان آینده چیست؟! آیا هدف، توجه به درگیری‌ها و بحث‌ها و جناح‌های سیاسی است؟! تربیت سیاسی، پرورش آزادانه و آگاهانه‌ی ویژگی‌هایی است که سبب رشد احساس مسئولیت و مشارکت نوجوانان همراه با پرورش ارزش‌های انسانی و وجدانی در مسائل سیاسی می‌شود؛ یعنی همان نظارت و نقد به مسائل! و به دیگر سخن، پرورش انسان‌هایی آگاه، شایسته و متعهد!

وظیفه‌ی کلی ما در همه‌ی مواردی که گفته خواهد شد جهت دهی و آگاه کردن است.

در این تربیت باید توجه کرد که مخاطب ما افرادی با تفکرات و شرایط یکسان نیستند. آن‌ها دانش‌آموزان و جوانان جامعه‌اند که هر کدام سلیقه، تفکر و گرایشی دارند؛ بنابراین مخاطب ما عام است و متناسب با آن باید فعالیت کرد که البته کم‌کم بر اثر همین مطالعات و افزایش آگاهی سیاسی در قسمت نواغ و مخاطب خاص قرار می‌گیرند.

یکی از مشکلات در تربیت سیاسی آن است که حتی تربیت کنندگان نیز به خوبی اهمیت مسائل اخلاقی، اقتصادی و... را متوجه‌اند اما نسبت به مسائل سیاسی ابراز علاقه نمی‌کنند و حتی در مواردی جوان را از آن می‌رانند و سیاست را بی‌فایده می‌دانند. حال آن که تأثیر نظام تربیت و نهاد سیاسی به وضوح بر یکدیگر

این خاک...

عمار امداد

در سیاست، غفلت‌ها مثل خیانت‌ها ضربه می‌زند.

سیاست ورزی باشد نه سیاست بازی! دانشجو باید قدرت تحلیل سیاسی داشته باشد تا تنها به بلندگوی احزاب و جریان‌ها تبدیل نشود و فریب فضا سازی‌های رسانه‌ای را نخورد. لذا باید قدرت تشخیص جبهه‌بندی‌ها، شناخت دوستی‌ها و دشمنی‌ها، قدرت تحلیل وقایع و حوادث و در یک کلام بصیرت پیدا کند.

آن جایی که فارغ از جبهه‌بندی‌ها، قدرت تحلیل مسائل پیدا شد می‌توان تزویر را دید و واقعیت‌ها را شناخت. هدف دشمن ایجاد اختلال در دستگاه محاسباتی ما است. اگر معیارها به درستی تشخیص داده شود؛ اگر اعتماد به وعده‌های الهی و بی‌اعتمادی به قدرت‌های مستکبر در افراد جامعه متبلور شود؛ آن جاست که می‌توان ذات پلید دشمن را دید. یک زمان مسئله هسته‌ای بهانه‌ای برای تحریم می‌شود، مدتی بعد مسئله موشکی مطرح می‌شود و چندی بعد صحبت از حقوق بشر و مقاومت می‌شود و این ماجرا ادامه دارد مگر تا زمانی که بتوان فهمید هدف اصلی دشمن، انقلاب اسلامی است و دشمنی اصلی با همین انقلاب و پرچم است.

حال اگر دانشجو سرگرم روزمرگی‌های خودش شود و به عنوان قشر روشن فکر جامعه از اهمیت تحلیل مسائل باز بماند؛ هر شایعه‌ای را باور می‌کند، هر خبر بدون منبع و سند معتبری را نشر می‌دهد، هر مغالطه سیاسی را توجیه می‌کند، جریان نفاق را تشخیص نمی‌دهد، روحیه مطالبه‌گری خود را از دست می‌دهد و در نهایت فریب بازی‌های سیاسی را می‌خورد. همان بازی‌هایی که باعث شد امیرالمؤمنین هم ناله چاه شود، به تک‌دانه دختر رسول... در کوچه بنی‌هاشم جسارت شود و از سادات و سروران جوانان اهل بهشت، یکی در مدینه تابوتش تیرباران شود و دیگری در کربلا به قتلگاه برود!

و این جاست که می‌گویند در سیاست، غفلت‌ها مثل خیانت‌ها ضربه می‌زند! «خدا لعنت کند آن دست‌هایی که تلاش کرده‌اند و می‌کنند که قشر جوان و دانشگاه ما را غیر سیاسی کنند.» (امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی))

زهره جعفری ندوشن

تحلیلی بر سخنان گران قدر امام خامنه‌ای (مدظله‌العالی)

می‌زنند در حالی که همین بصیرت سیاسی و سیاست ورزی مردم انقلابی ایران بود که فتنه ۸۸ را خاموش کرد و حماسه ۹ دی را آفرید. هرگاه مردم نتوانند درست تحلیل کنند؛ آن جا همان جایی است که ممکن است دشمن ضربه وارد کند. بصیرت و مشارکت سیاسی، حضور هوشمندانه در صحنه‌های اجتماعی، تلاش برای بهبود اوضاع و تعیین سرنوشت کشور، وظیفه‌ای همگانی است. تمام اعضای جامعه باید توانایی درک و تحلیل حوادثی که در اطرافشان اتفاق می‌افتد را داشته باشند؛ چرا که بسیاری از انحرافات، فتنه‌ها و شکست‌ها در جامعه اسلامی ناشی از عدم قدرت تحلیل سیاسی است. باید مغالطه‌های سیاسی را شناخت تا بازیچه بازی‌های سیاسی نشود. تنها زمانی می‌توان به عمق وقایع پی برد و نفاق را شناخت که بتوان تحلیل کرد و جلوه‌گری‌های نفاق را تشخیص داد. همان نفاقی که؛ لفظ مقام معظم رهبری مدظله‌العالی از دهانش نمی‌افتد و مدام از امام و آرمان‌های انقلاب دم می‌زند ولی در عمل در جهتی خلاف نص صریح امامین انقلاب آرمان‌هایشان می‌تازد. همین جریان است که استقلال کشور را تا سرحد وابستگی تنزل می‌دهد و اعتماد و خودباوری را از ملت می‌گیرد و جالب اینجاست که ولایت‌پذیری تنها تا جایی که مخالف تمایلات و منافعش نباشد معنا دارد.

کسب علم اگر چه مهم‌ترین وظیفه دانشجو است اما بعد از آن مهم‌ترین نیاز او، داشتن فهم و تحلیل سیاسی است. دانشجو باید دنبال

+ پس چرا مانده‌اید؟! این خدعه‌ی معاویه است تا پیروزی، ده ضربه شمشیر فاصله داریم.

- ما با کلام‌الله نمی‌جنگیم!

+ آن‌ها که می‌بینی ورق‌پاره‌های تزویر عمروعاص است!

- کور نیستم اشترا تو بر نیزه‌ها قرآن نمی‌بینی؟!

+ قرآن ناطق، علی است.

- مالک! چه کنیم؟

+ نمی‌دانید باید چه کنید؟!

- نمی‌دانیم! نمی‌دانیم با علی بمانیم یا با قرآن بجنگیم!

ما اگر در صفین بودیم؛ قرآن ناطق را باور می‌کردیم یا قرآن بر سر نیزه‌ها را؟!

«والله اسلام تمامش سیاست است؛ اسلام را بد معرفی کرده‌اند، سیاست مدرن از اسلام سرچشمه می‌گیرد.» (صحیفه امام، جلد ۱، صفحه ۲۷۰). معیار مسلمان بودن را می‌توان از این سخن امام خمینی (ره) به راحتی استنتاج کرد؛ البته نباید دچار اشتباه شد؛ منظور امام خط سیاسی چپ و راست و حزبی‌گری نیست! منظور ارزش‌هاست!

بگذارید کمی واضح‌تر به موضوع بپردازیم. برخی، گاهی از روی جهل و گاهی مغرضانه بر طبل جدایی دین از سیاست می‌کوبند در حالی بر گه‌های تاریخ پر است از فتنه‌هایی که سرنخش برمی‌گردد به نداشتن تحلیل سیاسی. نمونه بارزش فتنه خوارج در صفین که امیرالمؤمنین را وادار به پذیرش حکمیت کردند؛ مگر خوارج بی‌دین بودند؟ همه‌ی آن‌ها دین داشتند اما قدرت تحلیل نداشتند. هنوز هم عده‌ای دم از جدایی دین از سیاست

ای کاش ها

چقدر حسرت کشیدن جان آدم را می گیرد... می دانی فکر کنم آدم پیر ها از سخته نمی میرند، آخرش یک تکه حسرت که دارد در پیچ و تاب رگ هایشان می گردد آنقدر بزرگ می شود که یک جا گیر کند و خاتمه دهد به عبور ممتد خاطرات در جانیشان...

کاش تا آخر عمر عشق به یاد من می ماند؛ کاش تا همیشه با دیدنش قند در دلم آب می شد و لبخند می زدم به پهنای صورتم، کاش تا انتهایش چون ابتدایش دوستم داشت و دوستش داشتم! من دلم برای عشق تنگ می شود!

کاش ذوق در وجود من نمیرد... کاش تا آخر عمرم برای آمدن بهار لحظه شماری کنم، زیر باران پاییزی شعر بخوانم، شب یلدا را جشن بگیرم، احساسم را بنویسم و با ذوق منتظر آفرین گفتن بمانم، کاش تا آخر عمرم احساسم نمیرد! من دلم برای احساسم تنگ می شود! کاش پدر و مادرم همیشه می ماندند؛

سال ها بعد که تنها گوشه ی اتاق بی روحم لم داده ام و آشغال های قالی را با دستم جمع می کنم، وقتی یاد روزهایی که کنار بخاری خانمان می نشستیم و مادرم می سرم غر می زد که زهرا لباس گرم بپوش که سرما نخوری، یاد آغوش پدرم که هر بار از همه ی دنیا خسته می شدم به آن پناه می بردم و پدرم آنقدر برایم حرف می زد تا خستگی در برود و اشک هایم تمام شود، یاد دنبال دویدن های مهدی و به قصد کشت زدنش... این یادها جان مرا می گیرید؛ آن روز دیگر مادری نیست که هوایم را داشته باشد، پدری نیست که به آغوشش پناه ببرم، دیگر مهدی کنارم نیست که به جای دعا و زدنش بنشینم و به شیطنت های کودکانهاش بخندم!

هر سالی که بگذرد و هر خاطره ای که تمام شود لخته ی حسرت در هم تنیده تر می شود، بیشتر به چشم می آید، سخت تر از میان رگ های عبور می کند...

پیر شدن که هیچ، همین حالا که ۲۰ سالم است حسرت بازی های کنار حوض خانمان را دارم، حسرت دیوانگی هایم در کلاس مدرسه، حسرت تجربه های جدیدم با ورود به دانشگاه...

آه که چه لخته ی حل نشونده ای...

حالا هر چه می خواهی وارفارین لحظات شیرین

حال هم بخوری بخور، این لخته حل شدنی نیست، شاید رگ های

کمی گشاد شود و عبورش آسان تر ولی لخته ی حسرت می ماند که می ماند...

منبع: نشریه فانوس دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی

چیزهایی را می‌خورند که به دست آوردنشان آنقدر دشوار نبوده یا اینکه برای آنچه به دست آورده‌اند، بیشتر از آنچه می‌ارزیده هزینه کرده‌اند.

متمم برخی از این موارد را تحت عنوان فهرست ای کاش‌ها برای شما تنظیم کرده ایم. اگر خودتان یا اطرافیانتان، موارد دیگری را هم در ذهن دارید، خوشحال می‌شویم که با ما به اشتراک بگذارید.

کافی است پای صحبت چند انسان میانسال یا مسن بنشینیم و آنها آنقدر صداقت و شجاعت داشته باشند که از اشتباهاتشان بگویند. خیلی زود متوجه می‌شویم که فهرست حسرت‌ها و پشیمانی‌ها برای بسیاری از انسانها، طولانی‌تر و دردناک‌تر از فهرست دستاوردها و موفقیت‌هاست.

جنبه‌ی دردناک‌تر ماجرا هم اینجاست که آنها، عموماً حسرت



منبع:
گروه توسعه مهارت‌های فردی به سرپرستی محمد رضا شعبانعلی

ای کاش‌های دانشجوی معلمان

ای کاش معیار اصلی زندگیم را بر پایه خودم قرار می‌دادم نه حرف‌های بی‌پایان مردم.

فاطمه علی بیگی

ای کاش هیچ وقت ای کاش نگوییم.

مریم رئیسی

ای کاش ملاک تصمیم‌گیری‌ها در دانشگاه دانشجو باشند نه چیز دیگری.

مهدی

ای کاش با رنگی چاپ شدن نشریات؛ به خوانندگان و طراحان نشریه بها داده می‌شد.

پریسا کارگریان

ای کاش می‌شد ای کاشم را این جا بنویسیم.

علیرضا دهقان

خدا ته تغاری

نقل است که بدبخت‌ترین ماه سال، اسفند است. اصلاً اگر به کسی بگویی متولد اسفند هستم، بی برو برگرد جواب می‌دهد: "آخر سالی، توی اون شولوغی، چه وقت به دنیا اومدنه عاخه؟!"

متولدین این ماه، در رده‌بندی مظلومان عالم قرار می‌گیرند. فکر کنید طرف به دنیا آمده‌است، یکی شیشه پاک می‌کند و دیگری دیوار رنگ می‌زند. نوزاد هم در گوشه‌ای افتاده‌است در حالیکه ... (گلاب به رویتان باد). اصلاً عطوفت خانوادگی، برای نوزادان متولد اسفند، تعریف نشده‌است.

آدمی نمی‌داند از این ماه خوشش بیاید یا نه! البته معدود افرادی که اکثرشان هم متولدین این ماه هستند، آن‌را قشنگ‌ترین، هیجان‌انگیزترین، تودل‌بروترین و همه چی‌تموم‌ترین ماه‌ها می‌دانند. خودشان هم نمی‌دانند برای چه! اما نود و نه درصد بقیه، توصیف دیگری از آن دارند. وصفی که به سال نو و یا ماه تولد هیچ ربطی ندارد. مبحث جذاب خانه تکانی.

به قول یکی از دوستان دل‌خون و داغ‌دیده، تمیز کردن جاهای دور از دید و غیرقابل دسترس چه فایده‌ای دارد؟! بالای کابینت، پشت لوله‌های گاز، زیر فرش و... اصلاً این مکان‌ها هستند تا نباشند. چرا باید کاری کنیم که باشند؟! بر منکرش درود.

اما از فانتزی‌های هریک از اعضای خانه این است که: "ای کاش می‌شد خانه را از جا بلند کرد و دو سه تایی ضربه به آن زد تا خوب تکانده شود و در نهایت هم یک شلنگ آب، از پنجره هایش رد کرد و همه جایش را شست. و السلام..."

اصلاً اسمش روی آن است. خانه را بتکان! اما از هر طرف نگاهش کنی دست آخر باید فاتحه خودت و فانتزی‌ات را یکجا بخوانی. خانه ات آباد!

کارسازترین ایده برای فرار از این واقعه ی بغرنج (بغض رنج، خیلی رنج، یک عالمه مکافات)...، راهی نیست! (گشتم نبود...)

تسلیم امر خانواده شوید تا سالی سرشار از نظافت و پاکی داشته باشید. البته همراه با لوله‌های گاز تمیز و کابینت‌های زدوده از گرد و خاک!

از ما گفتن بود ولی نقل است که اگر هنگام تحویل سال، گرد و خاک روی در و دیوار نشسته باشد، تا آخر سال بعد، همان گردها خاری می‌شوند و در چشمانتان فرو می‌روند. و یا در جای دیگر، آمده‌است که این گردها همچون بختک روی صورتتان می‌نشینند و تا سال آینده کریه و زشت می‌نمایند! در آخر، طبق گفته‌های خودم (!): کسی تابحال در مقابل غول خانه تکانی پیروز نشده است. دردهای ناعلاج و "من درآوردی" را به خود نچسبانید؛ نتیجه نمی‌دهد.

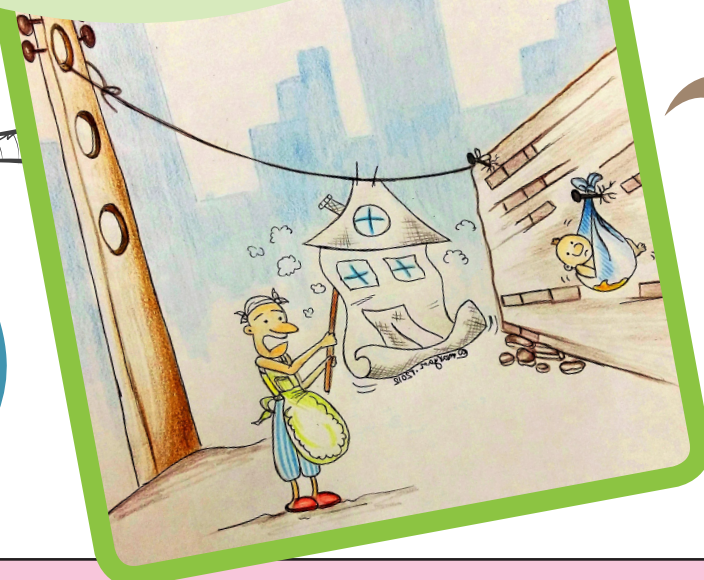
خودمونی می‌گم: سعی کنیم توی سال جدید، جدیدتر باشیم! افتخار بیافرینیم تا مفتخر بمانیم. (خیلی هم خودمانی نشد)

و اینم بگم که؛

مریم رئیسی

ته تغاری‌های خدا، حواستون باشه؛ عیدی و کادو تولدتون باهم قاطی نشه. (از طرف یک نویسنده اسفندی و داغ‌دیده)!

مریم رئیسی



چقدر خوبیم ما...

یعنی

اگر داغ و درفشمان کنند و به میخ و
سیخمان بکشند و از دروازه ی شهر آویزانمان فرمایند و...
اگر سر به سر، تن به کشتن دهیم، عمرا کتاب بخوانیم. ما اصلا یک
جور مقاومت عجیبی در برابر کتاب خواندن داریم که تفلون در برابر چسبیدن
غذا به ته ماهیتابه ندارد. چنان نسبت به کتاب خواندن نفوذ ناپذیریم که ایزولاسیون،
هیچ پشتیبانی نسبت به باران و برف، چنین عایق نیست. یعنی حاضریم وقتمان را با
خاراندن پس سر و شمردن شوره های روی شانهمان تلف کنیم اما دو صفحه یا چهار خط
کتاب نخوانیم.

یکی از بارزترین خصوصیات ما ایرانیان که دیگر دارد به شناسنامه مان تبدیل می شود و اوراق
هویتی و شاخه ی ممیزه ی ماست، همین کتاب خواندن است. در اثاث کشی، یخچال سایدبای ساید
و حمل و نقل آن، برایمان از بدیهیات است اما چهارتا کارت کتاب را بدبارترین، سنگین ترین و
مزاحم ترین اثاثیه می دانیم. کلا توانایی این را داریم که هرکدام مانند دشمن خونی کتاب و کتابت
و مکاتبه و تمام کلمات هم خانواده اش وارد عمل شویم. بیهوده تر، ابلهانه تر، ساده لوحانه تر، گامول
منشانه تر! از کتاب خواندن هیچ کاری به ذهنمان نمی رسد.

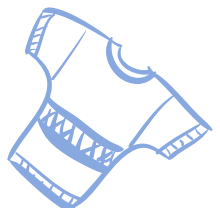
یعنی صفا می کنیم برای خودمان. کتاب فروشی ها می شود
پیتزافروشی، کتابخانه ها حداکثر شده قرائت خانه پشت کنکوری ها،
تیراژ کتاب لای باقالی، کتابخوان ها (اگر بیابیم) اهالی مریخند،
ما هم که باحالیم! همه هم که شیرین زبان و طنز و بذله گو. از
طرف می پرسیم آخرین کتابی که خوانده ای کی بوده؟ می گوید
می خواستم آخرین درس را پاس کنم. بعد هم هرهر می خندد
طوری که بیست و یک دندان خراب از مجموع سی و دو دندان
را می شود شمرد. ما توانسته ایم طی یک دهه، تیراژ کتاب هایمان را
به یک سوم کاهش دهیم و از شوق این امر، همگی لامبادا برقصیم
و احساس شغف، کلیه ی منافذمان را پر کنند. فکر می کنید ما اغلب
در برابر سوال ساده ی چرا کتاب نمی خوانی چه جواب هایی داریم؟
تعدادی از آن بی شمار جواب هایی که به سرعت ردیف می کنیم
این ها هستند: "مگه خرم؟"، "چون عقلم سر جاشه"، "بیکار
که نیستم"، "تو هم حوصله داریا"، "برو بابا، حالت خوش
نیست" و....

نوشته ی ابراهیم رها

بخشی از کتاب "چقدر خوبیم ما"



خانم رعنا فتحی



بیا تا خدا را عبادت کنیم

به تسبیح و سجاده عادت کنیم
به سوی خدا قصد قربت کنیم
نمازی بخوانیم و حاجت کنیم
همه مشرکان را برائت کنیم
دل کفر و شیطان به وحشت کنیم
به الطاف حق استعانت کنیم
بخوانیم و خود را هدایت کنیم
گناهان خود را شفاعت کنیم
به ((سبحان ربی)) طهارت دهیم
به یکتایی حق شهادت کنیم
به درگاه حضرت ارادت کنیم
کلام خدا را تلاوت کنیم
تمسک بجوییم و وحدت کنیم
ز رحمان تمنای رحمت کنیم

بیا تا خدا را عبادت کنیم
بیا تا به گلبانگ گلدسته ها
بیا تا به ذکر و ثنای خدا
بیا تا به تکبیر رب جلیل
بیا تا به ((الحمد و توحید)) او
بیا تا به هر((نعبد و نستعین))
((صراط الذین و انعمت)) را
بیا با توسل به ((اغفرلنا))
بیا تا به اخلاص گردن نهیم
بیا تا تشهد به اشهد کنیم
بیا تا سلامی به احمد کنیم
بیا تا که بعد از سلام نماز
بیا تا به قرآن و آل نبی
بیا تا برآریم دستی زمهر



شاعر: سعید عابدینی دبیر زبان و ادبیات فارسی

بسم رب الشهداء

بسم رب شهدا

شهادت یعنی...
زندگی کن اما...
فقط برای خدا...

چقدر کوتاه فکرا نه است که بگوییم شهدا مرده اند و ما زنده!
آری شهدا رفتند تا ما بمانیم. شهدا رفتند تا حجاب و عفت بماند. شهدا رفتند تا...
چه خوب می گفت شهید: «خواهرم سیاهی چادر تو از سرخی خون من کوبنده تر است.» شهدا
حواسشان به ما بود، اما ما حواسمان کجاست؟
در این دوران پر هیاهوی، وقتی از همه کس و همه چیز دل بریدی، کافیت از
شهدا مدد بطلبی و دست دوستی به سوی آن ها بلند کنی چرا که آن ها زنده اند و
ما مرده!
آری ابراهیم درست می گوید؛ تنها مشکل ما این است که برای رضای همه کار
می کنیم جز رضای خدا.
اما برای خدا کار کردن، نه کار را برای خدا کردن! تفاوتش همین بس است که حسین
در گودی قتلگاه باشد و من برای کسب رضای خدا در حال تحصیل باشم! (شهید آوینی)
آری! ابراهیم، خدا را بیشتر از خود دوست داشت و خدا نیز اجرش را داد آن هم با
زیباترین شهادت؛ یعنی گمنامی...
آنجاست که با تمام وجودم می گویم می خواهم رفیق تو باشم؛ رفیق تو ابراهیم جان.
می خواهم شبیه تو باشم؛ شبیه تو ابراهیم جان!
رفاقت تو به تمام دنیا می آرد. رفاقت تو را با هیچ چیز عوض نمی کنم.
رفیق تو می شوم تا ش ه ی د شوم.
برایم دعا کن دوست آسمانی من... (دوست شهید من، ابراهیم هادی)



خادم الشهداء

اجتماع هراسی

می‌دانست که امروز حتما معلم علوم از او درس می‌پرسد. با اینکه روی درس را با دقت و وسواس فراوان خوانده بود اما باور داشت که نمی‌تواند سوالات معلم را پاسخ دهد! فکر اینکه موقع جواب دادن به سوالات صدایش بلرزد و چهره اش سرخ شودیک لحظه آرامش نمی‌گذاشت... این موضوع حتی نگذاشته بود، شب قبل خواب راحتی داشته باشد. مثل همیشه آرام و بی‌سرو صدا روی یکی از صندلی های تک نفره مینی‌بوس نشسته بود. صدای سرو صدای بچه ها تمام مینی‌بوس را پر کرده بود. دلش می‌خواست در بحث های آنها شرکت کند اما می‌ترسید اشتباهی از او سر بزند و بچه ها مسخره اش کنند! همیشه همین طور بود با اینکه در خانه همه او را یک دختر خوش صحبت می‌دانستند اما در کلاس درس و میان بچه هایی که با آنها صمیمیتی نداشت صحبت کردن برایش سخت ترین کار دنیا بود. گاهی هم بحث هایی پیش می‌آمد که اطلاعات زیادی درباره آنها داشت اما هرگز به خودش جرئت ابراز نظر نمی‌داد... انگار که موقع حرف زدن کسی جلوی نفسش را می‌رفت و صدایش در آن لحظه در گلو گیر می‌کرد! صورتش سرخ می‌شد و تمام بدنش از شدت حرارت و لرزش خیس عرق می‌شد... و هر بار یادآوری این اتفاقات او را مصمم می‌کرد که دیگر هرگز در جمع شرکت نکند، با آدم های غریبه معاشرت نکند، از هم سالان خود بیشتر و بیشتر فاصله بگیرد، دوستان صمیمی زیادی نداشته باشد... این رفتار هایش باعث می‌شد دیگران او را انطور که باید نشناسند بعضی می‌گفتند او دختر خجالتی است و بعضی معتقد بودند که او دختری مغرور است... اما حقیقت این بود که او فقط می‌ترسید... او به خوبی می‌دانست که از چه می‌ترسد اما قادر به کنترل ترس خویش نبود! وقتی به مدرسه رسیدند، درد عجیبی در معده اش حس می‌کرد... تمام روز را به زنگ علوم فکر می‌کردو هرچه بیشتر فکر می‌کرد اضطراب بیشتری به سراغش می‌آمد. وبالاخره همه چیز همانطور شد که فکرش را می‌کرد... او جواب همه پرسش های معلم را می‌دانست اما این ترس رنج آور و تمام اتفاقات بعدش نمی‌گذاشت او خود واقعی اش را نشان بدهد... انگار که همه چیز فراموشش شده و کلاس

به دورسرش می‌چرخید... احساس شرمندگی و خجالت او را به شدت مستاصل کرده بود دلش می‌خواست از کلاس فرار کند و بالاخره بغضش شکست و گریه کنان از کلاس خارج شد... معلمش به خوبی می‌دانست که او دانش آموز خوبی است و در حالی که به دنبال او از کلاس خارج می‌شد از خود می‌پرسید که چگونه می‌توانم به او کمک کنم؟! بعضی از کودکان و نوجوانان هنگام مواجهه با موقعیت های اجتماعی دچار اضطراب شدید می‌شوند. آنها از قضاوت های منفی دیگران درباره خودشان به شدت خجالت زده می‌شوندو احساس بی کفایتی در روابط اجتماعی در نهایت منجر به کناره گیری اجتماعی و مختل شدن روابط اجتماعی آنها می‌شود به حالت شدید این وضعیت، هراس اجتماعی می‌گویند.

اضطراب اجتماعی با خجالتی بودن تفاوت هایی دارد. و اگرچه خجالتی بودن ممکن است با اضطراب اجتماعی همراه باشد اما داده های نشان می دهد که فقط ۱۲ درصد از نوجوانان خجالتی معیارهای اضطراب اجتماعی را دارند این کودکان و نوجوانان به دلایل مختلف از رفتن به مدرسه خودداری می‌کنند و غیبت‌های مکرر دارند، از فعالیت های اجتماعی و روابط با دیگران کناره گیری می‌کنند... نتیجه این امرافت تحصیلی، تاخیر در یادگیری مهارت‌های اجتماعی، اختلال در فعالیت های معمول زندگی و حتی خطر ابتلا به افسردگی است.

چه بسیاری دانش آموزانی هوشمندی که به علت اضطراب اجتماعی از پیشرفت تحصیلی مطلوب محرومند واستعدادهای آنها هرگز شکوفا نمی‌شود. شناسایی به موقع این گروه از دانش آموزان و معرفی آنها به مراکز مشاوره کمک بزرگی به آنها است که با شناخت توانایی‌های خود و یادگیری مهارت‌های ابراز وجود، اعتماد به نفس از دست رفته‌ی خود را بیابند.

با توجه به این که بسیاری از مهارت‌های برقراری ارتباط اجتماعی در محیط مدرسه آموخته می‌شود نقش معلمان در این زمینه بسیار مهم و با ارزش است.

۱) آموزش مهارت های برقراری ارتباط مانند پیش قدم شدن در سلام کردن، دست دادن با دیگران و گفتن تعارفات معمول ...

۲) شرکت دادن آنها در فعالیت های فوق برنامه از جمله نمایش در مدرسه، فرصت مناسبی برای غلبه بر اضطراب و کمرویی شان است. زیرا برقراری ارتباط با دیگران در قالب ایفای نقش، زمینه را برای تکرار رفتار صحیح در دنیای واقعی آنان فراهم می‌سازد.

۳) ترغیب به شرکت در ورزش ها و فعالیت های گروهی و درنظر گرفتن امتیازات و پاداش های ویژه برای آنان به منظور رشد مهارت های اجتماعی

۴) می‌توان در کلاس درس و سایر موقعیت ها فرصتی را برای اظهارنظر، ابراز وجود و مشارکت در بحث ها و گفت و شنودها اختصاص داد و از آنان خواست تا شعر بخوانند، خاطره تعریف کنند، کنفرانس بدهند و... بدون تردید تشویق آنها در هر بار صحبت کردن به کاهش اضطرابشان کمک خواهد کرد.

۵) سپردن مسؤولیت انجام برخی کارها در مدرسه که مستلزم برقراری ارتباط با دیگران می‌باشد

۶) شناسایی نقاط قوت و توانمندی هایشان ارزش گذاری بر این ویژگی ها در جمع سایر دانش آموزان در جهت تقویت اعتماد به نفس آنها

۷) با توجه به این که والدین الگوی رفتاری فرزندان خود هستند، به والدین یادآوری می‌نماییم که نحوه‌ی معاشرت و برقراری ارتباط آنها با دوستان، آشنایان و فامیل، سرمشق خوبی برای فرزندانشان است و اصلاح رفتار کودک و نوجوانان مبتلا به هراس اجتماعی در گرو تغییر الگوی رفتاری والدین خواهد بود.

۸) والدین را تشویق کنیم تا دوستان فرزند خود را به خانه دعوت کنند تا بیش تر با هم آشنا شوند و رابطه‌ی صمیمانه تری برقرار کننداین کار کمک می‌کند تا کودک از نظر تعامل اجتماعی بین محیط آشنا و ناآشنا تفاوتی قایل نشود

۹) ارزش قایل شدن و احترام گذاشتن به عقاید این گروه از کودکان در محیط خانواده موجب می‌شود آنها مهارت ابراز وجود را فرا گرفته و رفتار قاطع تری از خود در مدرسه و جامعه نشان دهند. توجه والدین به این نکات و عمل به آن مطمئنا سودمند خواهد بود.

ریحانه فضیلتی

جدول

تاب و توان							شهادت مرتضی مطهری یابنده	مؤسس تربیت معلم در سال ۱۲۹۸
↓			ناظم مدرسه نویسنده بابا لنگ دراز				↓	صحرا پس از مرگ سهراب چه سود
			از جشن های ایران باستان					
مهره ای در شطرنج				سردی کشور ماتادورها				از درختان
↓	✿			↓	پیشگویی زمان خسوف و کسوف	ابزار ریاضی	معلم شهید در ادبیات جمهوری اسلامی	مخترع بالون
	پدر علم روان شناسی			واقعیت یافتن خواست یا آرزو	↓	↓	↓	↓
	↓	کشور عربی هم نام رود		درس کشیدنی فراهم				
اولین مولف کتاب کودکان در ایران			نوعی عدسی	آخرین پادشاه ماد	✿			
↓	✿		تیبیا	↓				
		اولین نظریه پرداز هوش چند گانه						
		↓						
متاثر و غمگین					سکو و صدف	پیوند	با شلیق	
↓					حشره ای که نمی خوابد	↓	↓	✿
		ضد حمله	درفش	جاوید	↓			
		↓	↓	↓				
				✿				از رفته به جا می ماند
								بقعه
								↓
								←
		لباس مردگان		روستا		جبهه		

طراح جدول: فاطمه علم، بگم

ارسال جواب از طریق شماره پیامک: ۰۹۱۳۷۷۵۶۱۳۴ همراه با جوایز نفیس

طراح جدول: فاطمہ علی بیگی

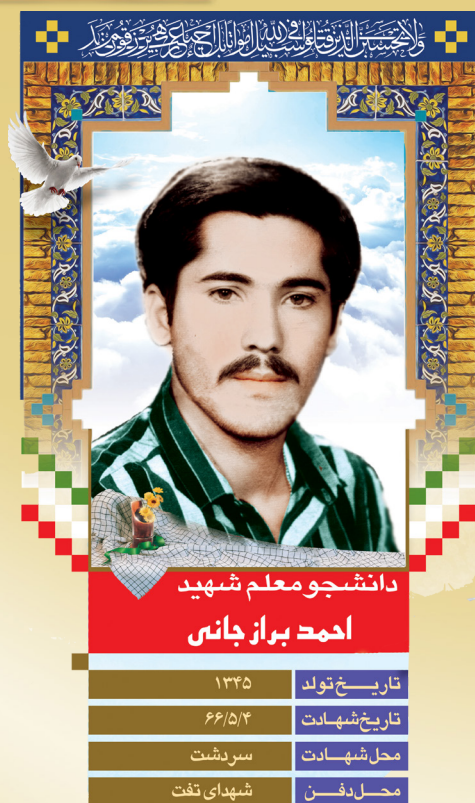
وصیت نامه شهید

به نام الله پاسدار حرمت خون شهیدان

یا بهشت می رویم یا کربلا

با درود بیکران به امام زمان (عج) و نایب برحقش و با درود بر روان پرفتوح شهیدان راه حق و حقیقت این شهیدان زنده و این محفل‌های عالم بشریت و با درود و سلام به تمام اسیران و جانبازان این انقلاب و بادرود بیکران به امت امام که بارگران این انقلاب بر دوش آنهاست، اینجانب حقیرگرچه لیاقت نوشتن وصیت‌نامه ندارم ولی به عنوان برطرف کردن تکلیف از گردن خویش چند کلامی به نگارش درمی‌آورم، هر رزمنده معمولاً اول وصیت خود را با خطاب به مردم شروع می‌کند و سفارش من به مردم این است: ای مردم شما بارسنگینی بر دوش دارید و آن بارثقیل همان حفاظت از اسلام و امام است. همان اسلامی که بیش از چهارده قرن به حالت رکود پیش می‌رفت تا اینکه با رهبری امام امت و پشتیبانی شما مردم حزب الله این درخت پژمرده اسلام را پس از چهارده قرن با خون رگهای خود آبیاری کردید و بهترین افراد این امت که از فرزندان و اقوام شما بودند فدای این درخت کردید و امروز در این ایام است که باید با چنگ و دندان از این درخت محافظت کنید و وای بر شما اگر غافل شوید و منافقین کوردل و از خدا بی‌خبر در شما رخنه کنند و ریشه این درخت را قطع کنند، ای مردم: هرچه کردید پیروی از این پیر جماران و قلب تبنده امت و این سالار مومنین جهان و این اسوه تاریخ زمان و این امام بت شکن قرن؛ مردم قدر این رهبر مسلمین جهان را بدانید؛ اگر رهبری و وحدت شما نبود، این اسلام نوپای جان نمی‌گرفت. چرا فلسطین، چرا افغانستان، چرا لبنان و چرا...؟ به پیروزی نهایی نمی‌رسند؟ رهبر قاطع و جدی ندارند. پس قدر این رهبر را بدانید و از او پیروی و اطاعت کنیم.

هان ای مردم: شما فکر نکنید با سلاح هایمان و جنگ افزارهای خود تابه‌حال پیروز شده ایم، نه این نیست؛ تنها عامل پیروزی قدرت خداوند



دانشجو معلم شهید

احمد براز جانی

تاریخ تولد	۱۳۲۵
تاریخ شهادت	۶۶/۵/۴
محل شهادت	سرحد
محل دفن	شهیدای تفت

منان است که بر این امت منت نهاد و مارا چنین سرافراز از میدان پیروز و روسفید کرد.

پس ای مردم: هرچه کردید و این نماز جمعه؛ که واقعا دشمن را به عزا نشانده و مشتاقان گره کرده‌ای است در دهان آمریکا و تمام مستکبران عالم؛ پس باید صف‌های نماز جمعه را هرچه فشرده تر کنید تا منافقین و دشمنان نتوانند در این صف‌های شما رخنه کنند و ضربه بزنند و هرچه می‌توانید معنویات خود را بالا ببرید که همین معنویات رزمندگان اسلام است که فتوحات بزرگی نصیب ما شده است.

ای مردم: هرچه کردید اتحاد خود را حفظ کنید و همین متحد بودن شماست که دشمنان دون را از پای در آورده است. مقام اتحاد است که خداوند صریحا در قرآن می‌فرماید و اعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا...



معلمی شغل انیاست

«امام خمینی»

